

سین سالگی تا پانزده سالگی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# شکلیک

هنرمند خط نگار قرن نوزدهم

۱۲۴۱-۱۲۳۰ ق. هـ

انجمن هنرستان

آکادمی لندن

نویس

مشکین تلمس غفر من ذلک انکار قرن نوزدهم  
انجمن ادب مجوز، اکادمی لندک، سویس،  
نوشت نویسر عنوان: «توقن فاسر: اما نه تونم»  
چاپ اول - دو هنر انسخه  
چاپ «ریحانی» در اشتات، آلمان  
۱۴۹ بیع - ۱۳۷۱ شمسر - ۱۹۹۲ میلاد

ISBN: 3-90671-401-2

# نور انجمن

در میان اعیان خوشنویسان ایران که خط و تصویر را به کمال استوار بر یکدیگر آمیختند تا در پس از حسن و  
 کمالی ساخت و پخته اند بلکنام میرزا محمد حسین صفهانی که از جانب شاه ایران لقب «مشکین قلم»  
 گرفته و حضرت عبدها «در کتاب «تذکره الوفاد» او را نامی می‌رساند داشته اند جلوه و درخشان مخصوص داشته

و درود

هر چند پاره از خط خوشنویس ایران، شاید به حدت تصدیق نرسد، خو بسته اند نام او را نادیده گیرند و  
 یا به اشاره از محمد به کار نیاورند کفایت کنند (۱) و لکن بسیار از پژوهشگران مصنف بکمال خرمند و از احوال  
 نموند چنانکه محمد عاقلیم زاده سبز در کتابی که در خارج ایران منتشر کرده و به «احوال آثار نقاشان قلم  
 ایران و خبر از مشاهیر کاتبان و عثماني» اختصاص داده (۲) درباره این استاد مسلم چنین می‌نویسد:  
 «طغرائی را بر آثار صفا است و نقوش زیبای او از تزیین خط و نقاشی که عالی به این کار است و نقاشی خط

نام نهادند) عمری آورد و به طلا و سایر رنگها تزیین کردایش میداد. از آثار طغرائی در کتب پیشین آمده  
 مرغ یا بسم الله و خط صیقل و صورت کشته دیده ام چنانکه رسم «مشکین قلم» را در او دیده که بجز این  
 ۱۳۰۵ تا ۱۳۲۵ هـ ق به عهده انجام رسیده. بهترین آثار طغرائی در این شهر من است که در نمایشگاه لندن  
 (مهر جان عالم اسلام) از تزیینات دیده ام تصویر مرغ با حالتی که از تزیینات صرف تشکیل یافته و امضا  
 داشت. «بنده باب به مشکین قلم - سنه ۱۳۰۵» دیگر از زیباست اما تصویر قرینه مرغ است و به  
 که از تزیینات کلمات ساخته و حواشایش تزیین و تشعیر فوق العاده داشت. این اثر زیبا که به سال  
 ۱۹۷۷ در کار اسپینک لندن به فروش رسید رسم داشت. «بنده باب به مشکین قلم - سنه ۱۳۰۷» (۳)

در این باره شبهه نیست و آنکه که هنر مشکین قلم تنها به شیوه تزیین (خط که میرزا عاقلیم می‌نویسد)

آن را به غایت زیبند و شیوا رساند) محدود نمیشود، او همه قلام و خطوط متداول را به کمال مهارت می نوشت و نمونه آن خوشنویس قطعه است که در آن آیات از حضرت بهاء الله را به انواع خطوط مختلف گانه نوشته و در آن هر دو واقع هنر نمایی کعبه و در کتب کلمات مکتوبه که متن آن به خط نستعلیق و عیاوین آن به خط نسخ است.

کتاب نفیس «روح الخط العربی» تألیف کامر الیابا که شرحی بر مندرکم مانند است (۴) در فصلی که به «لوحات فن» تخصیص داده پنج اثر از آثار شکیبائی را نقل کرده است که همه در تعلیق بسیار زیست و یک جا ترکیب خاطر از آیه «عز من قع و ذل من طمع» جلب توجه میکند و جا دیگر محرف خوش نویس که در دستان آن آیه از آن کریم کاشته شده دیده را به شرح است. کامر الیابا در شکیبائی به عنوان خطاط فارس بهمانی یاد کرده است.

عبدالمحمد ایرانی نیز درباره چهره نما در کتاب «پیدایش خط و خطاطان» (۵) درباره این استاد فن می نویسد: «در سخن خطوط هفت گانه، یکانه زانم و از نوایج هرگز به شمار می رفته و اکثر خطوط که در زیباترین نظیر است در کلیه سوریه و شامات و مصر زینت بخش کتب خانه است.»

مهدی ربانی در کتاب «احوال و آثار خوشنویسان - تعلیق نویسان» پس از نقل سخن عیون العجم خانم سابق الذکر می نویسد که کتیبه چهار مقبره همیز از مسلم از اوست که در روز کاغذ نوشته شده و در زیر شیشه به دیوارها مقبره الصاق شده است. بیانی خط نستعلیق و شکیبائی تعلیق و شکیبائی نستعلیق را در مورد

این خوشنویس می ستایید.

آنچه شایسته ذکر است آنست که شکیبائی خوشنویس ممتاز در است ولی در جامعه بهمانی شکست منحصراً نیست. از آنجا که ظهور جدید توجه خاصی به خط و خوشنویس معطوف شده و آنچه به خط طلعات مقدسه صلویه این آئینه تحسیر شده بر همین عنایت دلالت دارد. در کتاب بیان آمده که: «اذن داده شده که احادیث حضرت از حروف بیان را بنویسد الایه احسن خط» (باب هفدهم از واحد سوم بیان فارسی) خود حضرت باب اکثر اشیا شکیبائی نستعلیق را به کاری بجهت و سرعت ایشان در تحسیر موجب حیرت بر بیننده اندر بود.

آثار مشی خط حضرت بهاء الله در هر دو خط کوفی و نیمه نمونه نام مقدس از خطوط آن حضرت که وجود است گواید زیبائی خط نفس مقدس است که در دامخ پذیر بزرگوار میسر از اجناس بزرگ نور که خود یکا از بزرگترین خوشنویسان دوره قاجار بوده پرورش یافته است. (۷)

انتشار این مجسمه از نمونه آثار هنرمندان خوشنویس و نقش آفرین بزرگ شکیبائی که نه تنها برای تجلید مدرست که سالها طولانی در محضر حضرت بهاء الله زیست و از کلمات آن حضرت برای کمال بیخ ترین قطعه فخر خطوط مقرون به تصویرها شعر مراد هم گرفت، بلکه برابر بزرگداشت حدیث سال رحلت حضرت بهاء الله از بیم عالم عنصر بر به جهان پنهان آنگاه است.

حضرت بهاء الله به وضع تعالیم اخلاقی و روحانی و عرفانی انکشاف کرده اند بلکه نسبتاً تمدنی بدین

و نظیر جدید را که جهان شمول است و حد فشر توحید همه انبیا بشر در زیر خیمه یک رنگ صلح و مهر و عدل است  
 در کمال قدرت و استحکام وضع فرموده اند . توجه به هنر و آفرینش زیبائی دست تاشیر و حرمت طبیعت  
 و مهر و در زیر پرده سینه صنایع آفرینش از جمله تعلیمات لسان آن حضرت است .  
 در این مجسمه عهده یاد است کوچک به همه کسانی که در پهنه جهان مبلبل خلق دنیا را به استوار  
 و زیبا تر می گویند و آرزو دارند که روزی ستایش خیر و جمال و حقیقت جان شتر و ملید پرو فریب را بگیرد .

در خاتمه نیز پیشگفتار و طیفه نغمه می رسد در نیمه زمزمه دست نام و شخصیت بار را چند که ما را در تهنیت  
 این مجسمه نفیس یار و یاور و یار همه اند صمیمانه سپاسگزاریم . خاصه از نویسنده گرامر نمایه این مجسمه  
 جنابان دکتر وحید زکری و پر فوکر آنا مادر شیم که به معرفت اجمالی شخص و آثار مشکینت مل بود خسته اند  
 و از یاران صاحب ذوق و سلیقه اسر چون جنابان دکتر محمد رفان و مهندس سید معتمد که ما را  
 در انتخاب نمونه خوشنویس ها مشکینت مل و مشیت امور فر مربوط به چاپ مجموعه بشکیا و دولسوزی  
 معاضدت می به کمال فرموده اند و نیز از چندان همکاران عزیز آقایان دکتر منوچهر درخشانی و نوادر و ستا  
 که در ترجمه و تصحیح و مطابقت دست داشته اند از غماز متناهمینیم و بالاخره تقدیر از جناب خانم زکری  
 که به حکم « قدر گوهر در اند » با خط زیبا و متناسب خوشترین مجسمه را در زیر خاص بخشیده  
 و خاطر و خطاطان را که ما مانند مشکینت مل در سفینه را را جودانی گفته اند .

تهیه چنین مجسمه از محتاج مسر باید گذارم تا قدر قابله خطه اسر است و بی گمان در گشت تبیان و رعایت  
 در خور ستایش جناب مستنفا کجانی و با توجه به کینا نهجه این قافله رنگ میبازد و به منزل مقصود میرسد .  
 همه آن عزیزان را در ضحکات ادبی و هنر و دانش کامیاب فرمودن از خور ستاییم .

انجمن ادب و هنر  
 رگاد مرکزی - بوئس

- ۱- رجوع شود به عنوان نویزه به چهار مجلد کتاب « احوال آثار خوشنویسان » چاپ دوم - تهران - ۱۳۶۳ شمسر .
- ۲- مجلد - چاپ لندن - ۱۳۶۹ شمسر .
- ۳- بملکه اگامه به شرح حال مشکینت مل رجوع شود به مقاله دکتر مراد مشکین ( نوازه استار ) در مجله ؛  
 (HERALD OF THE SOUTH) جلد ۳ آبریل ۱۹۸۵ و مقالات جنابان امان الله مومنی و محمد سید محمد در (نوشته های  
 از خرمین ادب و هنر - مجلدات ۱ و ۲) .
- ۴- چاپ دوم - لبنان ۱۹۸۸ .
- ۵- چاپ تهران - تاریخ نشر نامعلوم - ص ۲۵۶ .
- ۶- در جوار هزار سینه حمزه . در شرح تبریزه .
- ۷- در مورد شرح حال جناب سیرا عیاشی در رجوع شود به مجله فرهنگ احوال آثار خوشنویسان (تستقلین نویسنده) - تألیف مهدیه بریلی - از انتشارات  
 دانشکده تهران - ۱۳۴۶ شمسر .



مشکین

۱۳۳۰-۱۳۴۱ ق. ۵



# مشکین

دکتر وحید زافر

که از جوانی در نقاشی و خطاطی مهارت به سر داشت محض تفنن تصویر از صدر عظم با ناخن بر روی کاغذ کشید و قمر صدر عظم از همان طریق برمی گشت دست دکاندار مشکین قلم تصویر را به او نشان داد مشکین قلم را معترف نمود.

صدر عظم از این آشنایی خرسند شد و مشکین قلم را به دربار دعوت نموده به ناصرالدین شاه معترف کرد. شاه نیز پس از توقف به بنوع و حسن فوق العاده مشکین قلم او را رسماً بکلیه تقسیم و لیهد که در تبریز بکسر بوج تعیین نمود و لقب «مشکین قلم» را به او داد.

مشکین قلم سالها در تبریز در منزل حاج میرزا محمد کرکاسی اقامت نموده به تعلیم و تبحر و مهارت در نقاشی و خطاطی دست و پا زد و در این مدت سفر نیز به صفهان نمود و بعد از آنکه چهار باره عازم طهران شد.

مشکین قلم در صفهان بصیت دیانت بهانه ریشینه و در راه صفهان به طهران با سینه هم سفری که با

میرزا حسین فرزند فاطمه و حاج محمد علی حاج صفهانی در تاریخ زمی به مشکین قلم معروف است. او شیراز را از ااصغر بود ولی در صفهان در سنه ۱۲۴۱ یا ۱۲۴۲ هـ ق (۱۸۲۶ م) در خانواده از حاج پشته که وابسته به طریقه شاه نعمت الله بود بنا به دنیا گذشت و در ۲۵ ذی الحجه ۱۳۳۰ هـ ق (۱۹۱۲ م) در عکاز دنیا رفت.

از زندگی مشکین قلم در ایام کودکی اطلاعات مفصّل در دست نیست ولی شواهد مختلف نشان میدهد که مفهقات علوم متعارفه اسلام را در زادگاه خویش فراگرفت و ذوق و شوق فراوان به کتب مهارت در انواع خطوط و نقاشی و خطاطی از خود نشان میدهد. در ایام جوانی مشکین قلم، پیشتر که تاجیه بود به دنبال طلبگی که از بی از تجار طهران داشت به طهران رفته و فایده مشکین قلم بکلی رسید که به محاسبات پدر به طهران رفت و از قضا روزی که در کاغذی از آشنایان در طهران نوشته بود صدر عظم از آنجا که نموده مشکین قلم

بود ملاقات نمود پس به تبریز رفت و مقیم گشت که بکسر ملاقات حضرت بهاء الله عازم مملکت عثمانی شد.  
مشکین قلم در حلیه گشت و در دستگاه جودت پاشا که والی حلب بود راه یافته معلم پسرش را گوید.  
در همین ایام بود که نبی زنده متین و نورخ شمسیر بهائی نیز به حلب وارد شده باشکیر قلم ملاقات  
نمود و بسبب ایمان و ایقان کامل او به امر بهاء الله گویید.

مشکین قلم از حلب عازم اردن شده به حضور حضرت بهاء الله مشرف گشت و مدتی در آنجا بماند  
به کتابت آثار بهائی مشغول گوید. بعد از مدت اقامت در اردن سفر به اسلامبول نمود و در آنجا گشتند  
در ایام اقامت در اسلامبول نظریه خیریه داشت با رجال دولت ایران و عثمانی فرآورده پیدا نمود ولی سرانجام  
به دسیسه مخالفین با جمعی دیگر از بهائیان به کالیسبولی اعزام گشت. مشکین قلم و سایر بهائیان نیز روز شنبه  
۲۵ ربیع الثانی سنه ۱۲۸۵ هـ ق. (۱۶ اگست ۱۸۶۸ م) به کالیسبولی وارد شدند و به همراه حضرت  
بهاء الله و بقیه بهائیان هر روز بعد از آنکه به کالیسبولی رسیدند و چهار چنگ گشتند. امر دولت عثمانی در آنجا  
که از حیف مشکین قلم و سه نفر دیگر از بهائیان به قبرس اعزام گفند و بقیه را در آنجا سکن شوند. لکن مشکین قلم  
به قبرس تبعید نگویید و در قلعه ماغوسا محبوس شد. در ایام اقامت در قبرس نیز مشکین قلم به خطاطی مشغول یافت  
مقرب حکام و محترمین بود.

مشکین قلم در ماغوسا از سال ۱۲۸۵ هـ ق. (۱۸۶۸ م) تا ۱۲۹۴ هـ ق. (۱۸۷۷ م)  
بعضی قریب به ده سال مسجون بود و چنانچه قبرس از دست عثمانیان خارج و در تحت سلطه حکومت انگلیس قرار گرفت

مسنو نیز حکومت عثمانی آزاد شدند و به این ترتیب مشکین قلم نیز بعد از ۱۸ سال در زندان القعه ۱۳۰۳ هـ ق.  
(سپتامبر ۱۸۸۶ م) قبرس را به قصد عکا ترک نمود و در جوار عکله حضرت بهاء الله سکن گشت. در ایام  
اقامت در عکا مشکین قلم به تسوید آثار بهائی و خطاطی و ترسیم نقوش و قطعات مختلفه مشغول بود و مجلداتی از آثار  
و الواح حضرت بهاء الله از جمله مجموعه ماسوسوم به اقتدارات از شرافات را تهیه نمود و در سنه ۱۳۱۱ هـ ق.  
(۱۸۹۳ م) رساله سیاحتیه اثر حضرت عبدالحق را به خط خوش نگاشت که در همان سال در بمبئی به طبع  
رسید. سرانجام در سنه ۱۳۲۳ هـ ق. (۱۹۰۵ م) مشکین قلم خود بکسر طبع و نشر آثار بهائی را هر چند  
شد و چند سال در آنجا اقامت نمود.

مشکین قلم در ایام اقامت در هند پنج روز تا نوزده گشت، لذا حضرت عبدالبهاء او را به مرض لکڑ  
احضار فرمودند و مشکین قلم تا آخر حیات در جوار حضرت عبدالبهاء به سر برده سرانجام در ۲۵ ذی القعدة سنه ۱۳۳۰  
هـ ق. (۶ دسامبر ۱۹۱۲ م) در عکا رحلت از این عالم به سر امر دیگر گشتید.  
در ایام مشکین قلم در صحنه سکن بود با آنها یکم از ذوالحجّه نمود. شمره امیر از ذوالحجّه و قمر بنام شاهنشا  
و پسر بنام میسر از ابر بود که اولاد و احفاد آنها امروز موجودند.

حضرت اصیل مشکین قلم خطاط است. گاه گاه شعر هم می سروده و در هیچگاه به شعر و شاعر معروف  
نگشته است. شاید شکوه و عظمت کار خطاطی او این جنبه از حیات هنریش را تحت تأثیر قرار داده باشد.  
در تاریخ دیانت بهائی مشکین قلم به داشتن قریب سیال و غلیظ شور و حال و خوش مشرب شیرین سخن لطافت خلق استوار

قصودت جامع و بر سر کام سبک کار و کیفیت خط مشکین قلم از حوصله این مقاله مختصر خارج است و آنچه  
 بر اهل میثاق گفت است که مشکین قلم تنها یک خط ط خوش نویسی نیست بلکه هنر مندر با ذوق و تفریح است که  
 از خلایق و ذوق و ظرافت هنر برتر در بر وجه و مهارتی تمام از گرایش انواع خطوط عربی و فارسی از خود نشان  
 داده است .

مشکین قلم اولین هنر مند به نام است که از هنر خط ط و نقاشی را بر یک جسم و تصویر مفاهیم و تعبیر زیبایی  
 و عرفانی استفاده کرده است . منبع اصعب الهمام او در خلق آثار بی نظیر که از او به جا مانده آیات و تعبیر است  
 عرفانی موجود در آثار حضرت بهاء الله و حضرت جلاله است که آنها را با استفاده از سبک با سحر و شگفتی شده  
 خط ط این فرنگ و ترک و هند بر این اشکال و نقوش مختلف نظیر مرغ بهشتی ساخته است .

طیور کار مشکین قلم تجر صور و فرز از تعبیر نظیر « ورقه الفردوس » یا « دایک العرش »  
 است که به تفسیر آیات الهیه مشغول بوده و خلق را به تجلی یوم الله بشارت میدهد .

آثار دیگر مشکین قلم غیر از کتبه که به خط خوشتر از الواح و آثار جهانی استنسخ نموده شده است قطعاتی  
 حاوی عبارات و از کلمات تجلیات بهانی مثل « یا بهج الایحی » و « یا علی الاعلی » و « یا جلاله »  
 و از این قبیل است که در نهایت اتقان و منتهای ظرافت و با طراحت مخصوص در اشکال و اندازه های  
 مختلف مرقوم داشته است .

مشکین قلم آثار خود را غالباً با رسم « بنده باب به مشکین قلم » امضا مینمود ، سابقه استفاده از این

عنوان به ایام حلیه بر میگردد . و قلم مشکین قلم در حلیه قطعه از نوشت از بنید زنده خواست که شعر بگوید  
 تا آن را در زیر قطعات خود ارج نماید ، بنید این بیت را کلمه مشکین قلم نوشت :

« در دیار خط شه صاحب علم بنده باب به مشکین قلم »

و از آن پس این عنوان را مشکین قلم در غالب قطعات خود به کار برده است .

پایان این نثر مختصر را به کلام حضرت عبد البها ، زینت میدهد که در مقدمه شرح حال مشکین قلم در کتاب  
 تذکرة الوفاء اورا چنینی وصف فرموده اند :

« از جمله صاحبین و مجادین و سنجین خط ط شمس ، میر عثمان

حضرت مشکین قلم است . قلم مشکین قلم و جبین روشن به نور سلیم

از شاعر عرفا و سه حلقه طرفا بود ، این عارف سالک صفتش بر هیچ

ممالک رسید . در ایران سه و خط ط نام بود و معروف در نزهتگان

در طهران در نزهت و زرا و از مناسکانت مخصوص داشت و بنامش هر صومرا گدا

و در روم شهریه هر مرد و بوم بود و هیچ خط ط نام حیران از مهارت قلم او

زیرا در جمیع خطوط ماهر بود و در کلمات نثر با هم . »

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
١٢٩٨ هـ

# ملاحظه در باره آثار مشکیں

پرفورانا مارشیمار

مشکیں تم خطاطاندا بهما تعداد از خوش نوشته نام (یا به عبارت بهتر خط - شاعر) خود را این مرغ  
انحصار داده و با این تصویر زیبا اشکار و طاهر ساخته است .

باید توجه داشته باشیم که «مشکیں تم» تنها خوشنویس نبوده است . در سال ۱۸۲۶ میلادی  
در ایران متولد شده و با یک از غنی ترین پرشورترین پیروان دینیت به نام بوده است . سالها در ترکیه  
استاد در لوزن و سپس در عتقا و استانبول گذرانید و از ۱۸۸۵ تا ۱۸۹۴ به تحریک سفیریت ایران در دربار  
عتقا ، به قیام تبعید شده و در «فاماگوستا» مقوم بوده است . مشکیں تم بعد از به گذشتن  
بالآخره در عتقا به عالم بالا صعود کرد .

هنرمند مشکیں تم چه در ایران و چه در محال که تحت تاثیر این کشور مستر را داشته اند مشهور خاص و عام بود  
وزارتشیر فردا همگانه بر خوردار شده است .

در موزه هنرهای زیبای دانشگاه هاروارد مشهور به «کالرس کلمر» تصویر خروس طرانی  
بر زمین لاجورد توجه عموم باز دید کنندگان را به خود جلب میکند که شاعر در عالم خوشنویس و  
یک از چند اثر مشهور مشکیں مشهور این نوشته به شمار میرود و کارت پستال آن به تعداد فزاینده چاپ شده  
و در اختیار هنرمندان است . از گفته که با سخن به ارمغان میسرند .

اکثر باز دید کنندگان می پرسند این اثر هنرمندانه از کیفیت و معانی نغمه و پندار چیست ؟  
باید بگویم که در تاریخ و ادبیات ایران چه لغت و چه تصویر «خروس» همواره با ظهور نور  
بوده و به عنوان پیش صبح صباقت به شمار می رفته و در سنت اسلام اعلان کننده موقع و میتعت  
شروع روز و هشدار بر لب لب اولین فریضه صبح محراب می شده است . اما در دینیت بهما  
نمایند مفاهیم روشنی و شگوه و یا به سخن دیگر «بهب» تفسیر می شود . پس حایرت نیست که

مستشرق معروف ادوارد برنخ در کتاب خود تحت عنوان «یک سال در میان ایرانیان» می نویسد:  
 «در خوش نوشته های مشکی که نامش در شمارت بسیار بر خورده است و همیشه در میان ایرانیان از هر طبقه طالبان بسیار است  
 و دارند و مشروط بر آنکه امضا و مکرر به آن بچونش را استخوان و نمایان می سازد در پارچه خنجر نباشد چه که تعلق  
 در بر اینها به شیعیان اجازه کرده است (این او را نمیدهد) «...» در این امر تبتبه اسباب تاثیر است چه که  
 بدون هیچ گونه تردید مشکی قلم یک از بهترین و بزرگترین خوشنویسان قرن نوزدهم و او فرستادن تمام محسوب می شود.  
 در این نوع خطوط دستا مسلم بوده و به خصوص در آثار تعلق در نهایت استاکر، پویا و استحکام نمایان  
 در شیوه او شباهت بسیار به خط میرعماد است و بزرگ عصر صفوی مشهور و محسوب است (میرعماد در سال ۱۶۸۱  
 متوفی شد) جایگزین میرعماد عظیم التاج هندوستان در باره میرعماد میگوید: «... اگر روز شاه عباس  
 این دستا کو را به دربار ما بفرستد معادل وزن او فرارید غلطی هم دید ایشا نخواهیم کرد»  
 ۱- مشکی قلم مهارت عجیب در خط درشت نشان داده، مثلاً در مورد حرف خ از محبوب مسلم  
 معاصر در خط استفاده کرده است. (تربیک ما همس آنگ) .  
 ۲- حرف گرد در شیوه تعلق در از یک زیبا و پوسته و هم است عجمی بر حاکمیت میگذرد و کلاً  
 آشکار است که قلم او در موقع شروع این حرف تازه تر کشیده شده و جمع کرد و در حركات از قیمت نازک  
 به قیمت عریض و پهن کاملاً محسوس و رنده جلوه میکند که نه تنها پویا و پر حرکت است و در خط و در میاید  
 ۳- چشم، خیزه زینابی نظیر حرف ه چشم این خوشنویس بشید است.

۴- در لغت بجهاد و یا ابجی جلوه این حروف را به کمال رسانده است.  
 ۵- تصور شود مشکی قلم از گذشته که در نوشتن تقلید نموده و آنرا تمیز کند بلکه همواره در پی  
 پیدا آوردن شیوه نو نو بوده که به عالم حاضر عرضه کرده و مورد استقبال و تحسین منسوان واقع شده است.  
 در این مورد توجه ما به نمونه امرا در حرف ر است که پایا آن در از نر مشر، لطافت و انعطاف به انتها  
 در طرح آن از شکی نیست.  
 ۶- در بیشتر نمونه است تعلق با ترکیب خطوط به صورت فرغ زیبا گفتا نموده بلکه این رشته هنر را  
 با تازگی صاحب جلوه و جمال و جلال و لطافت تازه و به اندازه نموده است.  
 علاوه بر آن محسوس بر خطوط به صورت محسوس با متقارن یا آینه شده که در آن سنین در امیر اطوار عشتانی  
 عرضه و مورد استقبال واقع می شد در این تجدید و تطیف آثار باید به جا نگذاشته است.  
 یک دست توانا و محکم با شیوه رزنده و تازه، در شکل دادن حروف با قدرت تجنیس سرشار و عجمی  
 ژرف بر زیبا نویسی عنوان ابزار نایب بار لوله احساسات عینی نمبر و روح و عرق، این مجموعه از صفات و شخصیت  
 این خطا نامدار است. استاکر مسلم عظیم التاج در آثارش از جمله «خود سر طائی» و دیگر اساتید قرن ما را  
 تحت تاثیر قرار فرستاده و میدهد.

\* نوبت کی بهار  
 خوشنویس و فرهنگ اسلامی، چاپ دانشگاه نیویورک، ۱۹۷۸  
 خوشنویس استاکر، لیدن (هلند) ناشر: راج، پریل ۱۹۷۰



مشق  
۱۳۸۱



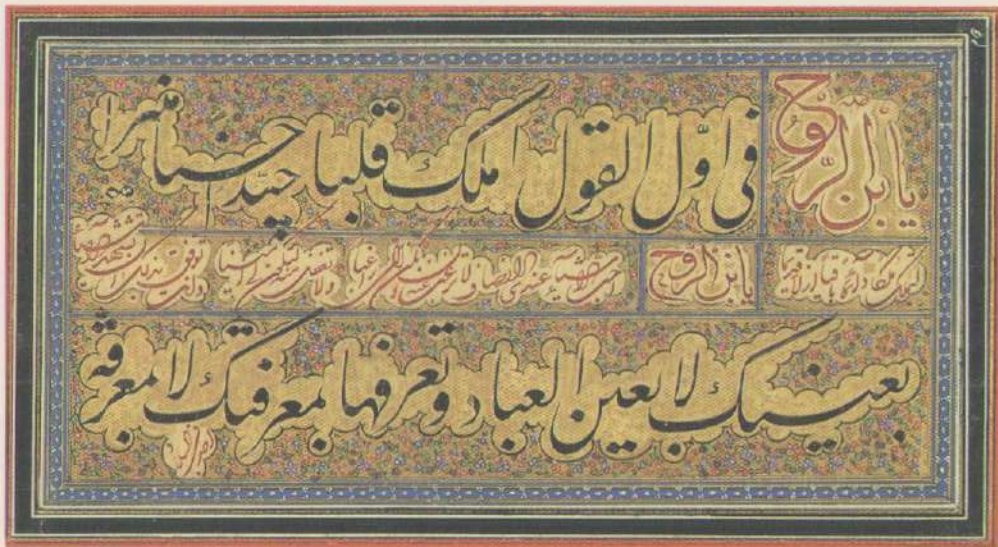
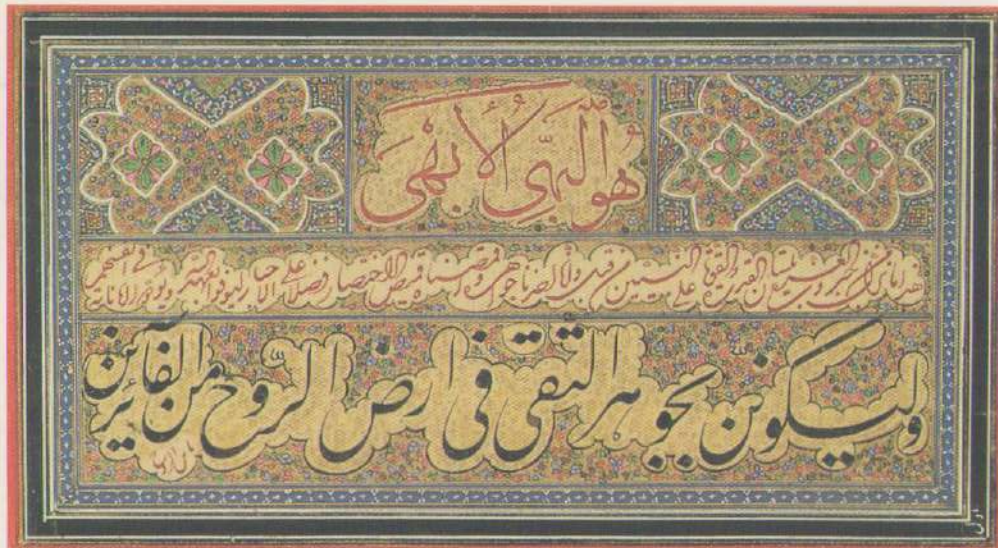


1 - International Archives building, Haifa, 20x13 cm.

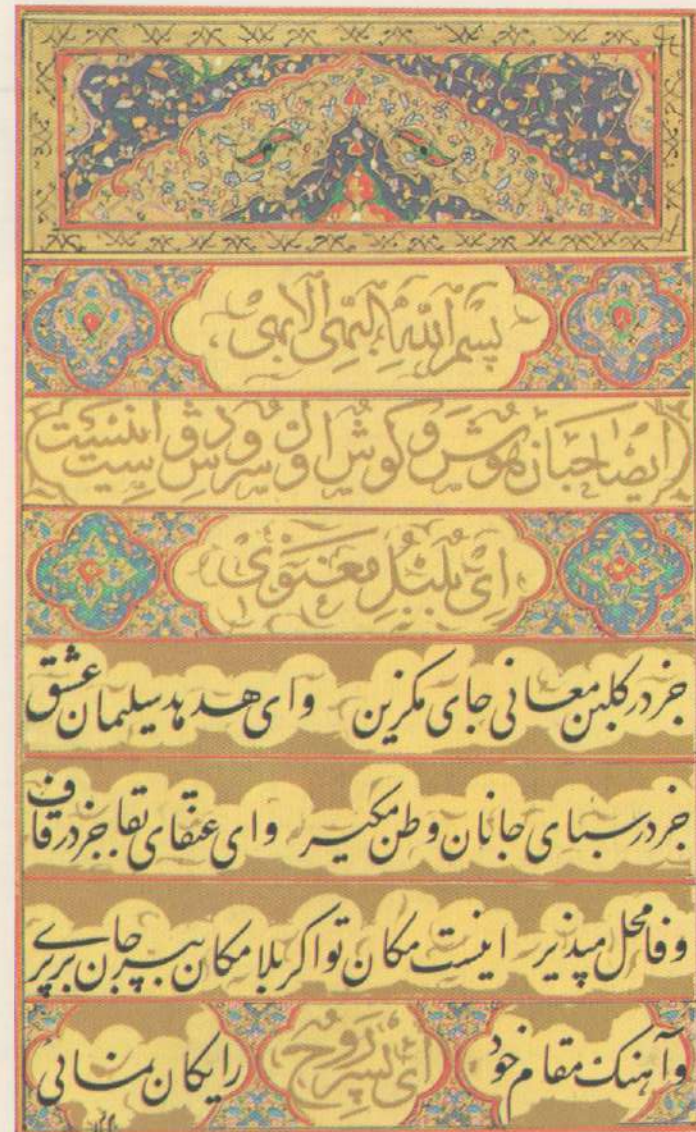
١- دار الأناضار بين المللي بهائي - حيفا، ٢٠ x ١٣ سانتيمتر



2 - Mansion of Bahji, Akka.



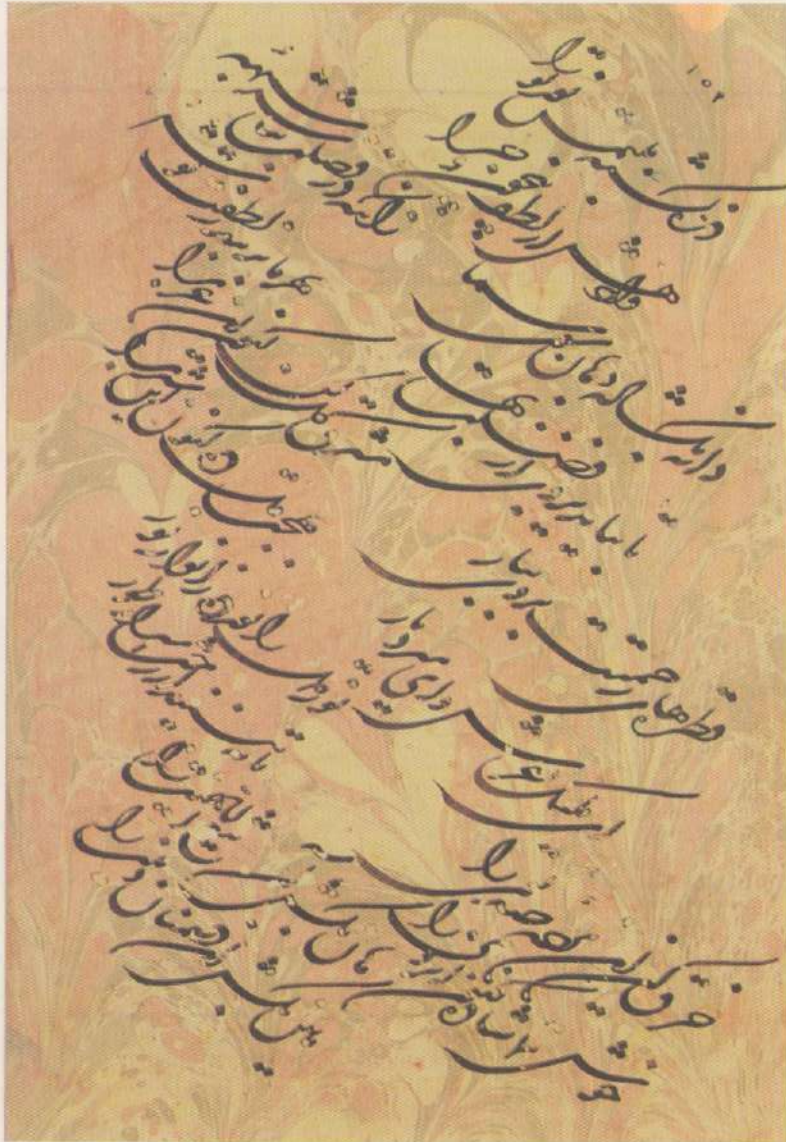
4 و 5 - دار الأثار بين المللى بهائى، حيفا، 17x9 سم - ساتيمتر



3 - دار الأثار بین المللى بهائى، حيفا - International Archives building, Haifa

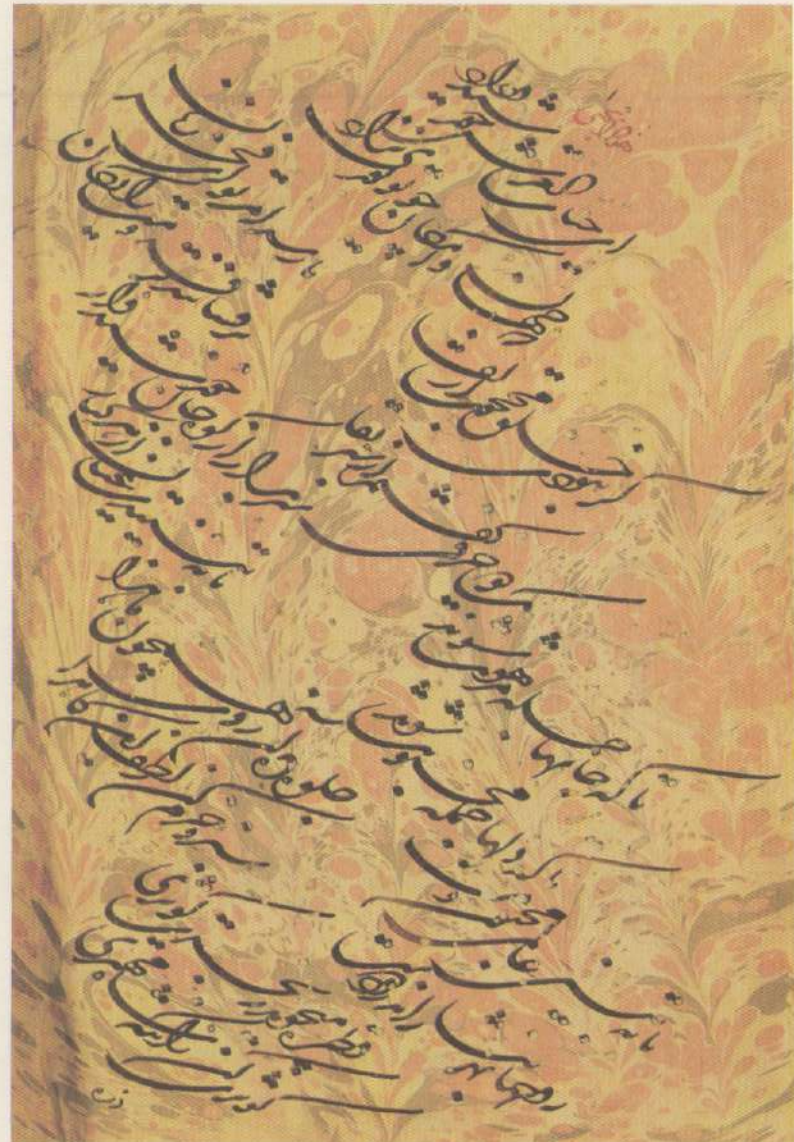


6- Mansion of Bahji, Akka.



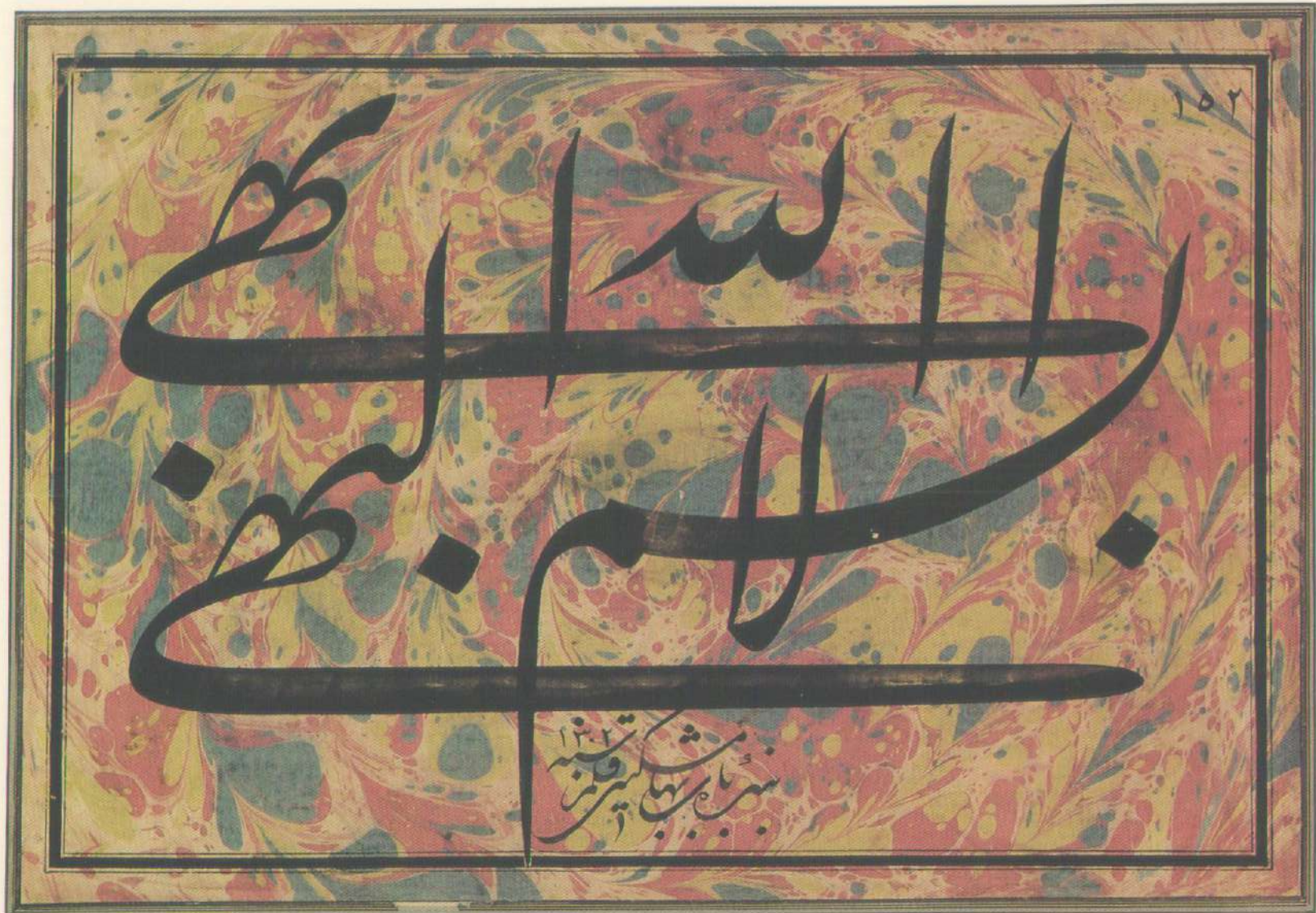
۸- دارالآثار بین المللی بهائی، حیفا، ۲۵ x ۱۷ سانتیمتر

8 - International Archives building, Haifa, 25x17 cm.

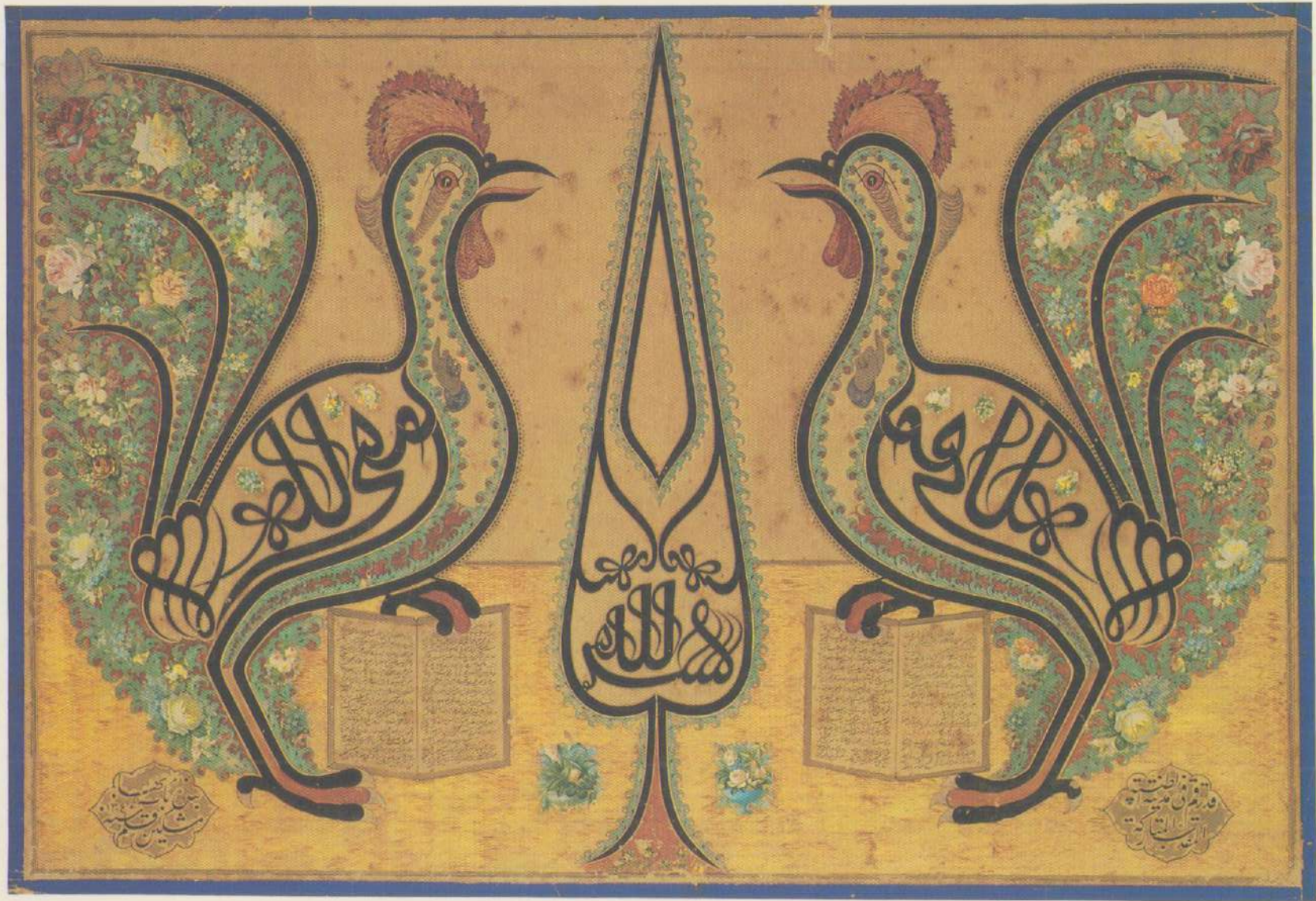


۷- دارالآثار بین المللی بهائی، حیفا، ۲۵ x ۱۷ سانتیمتر

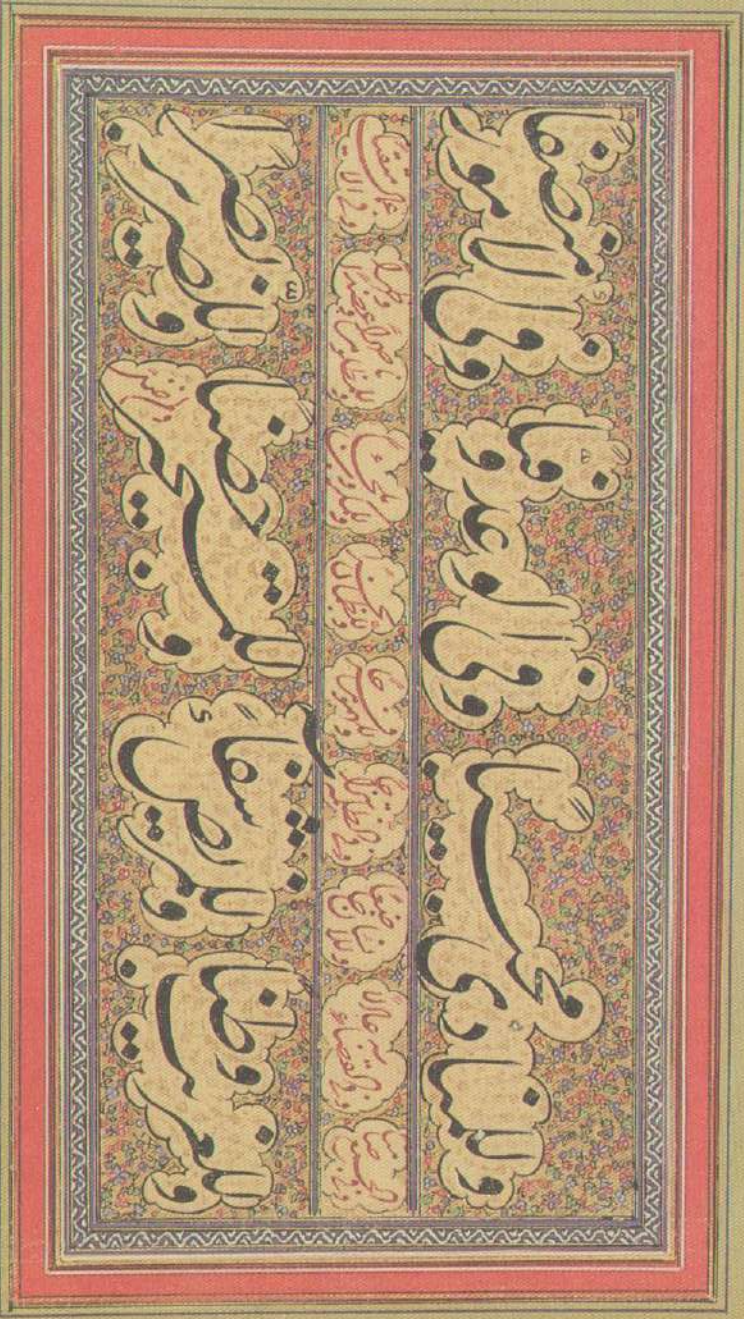
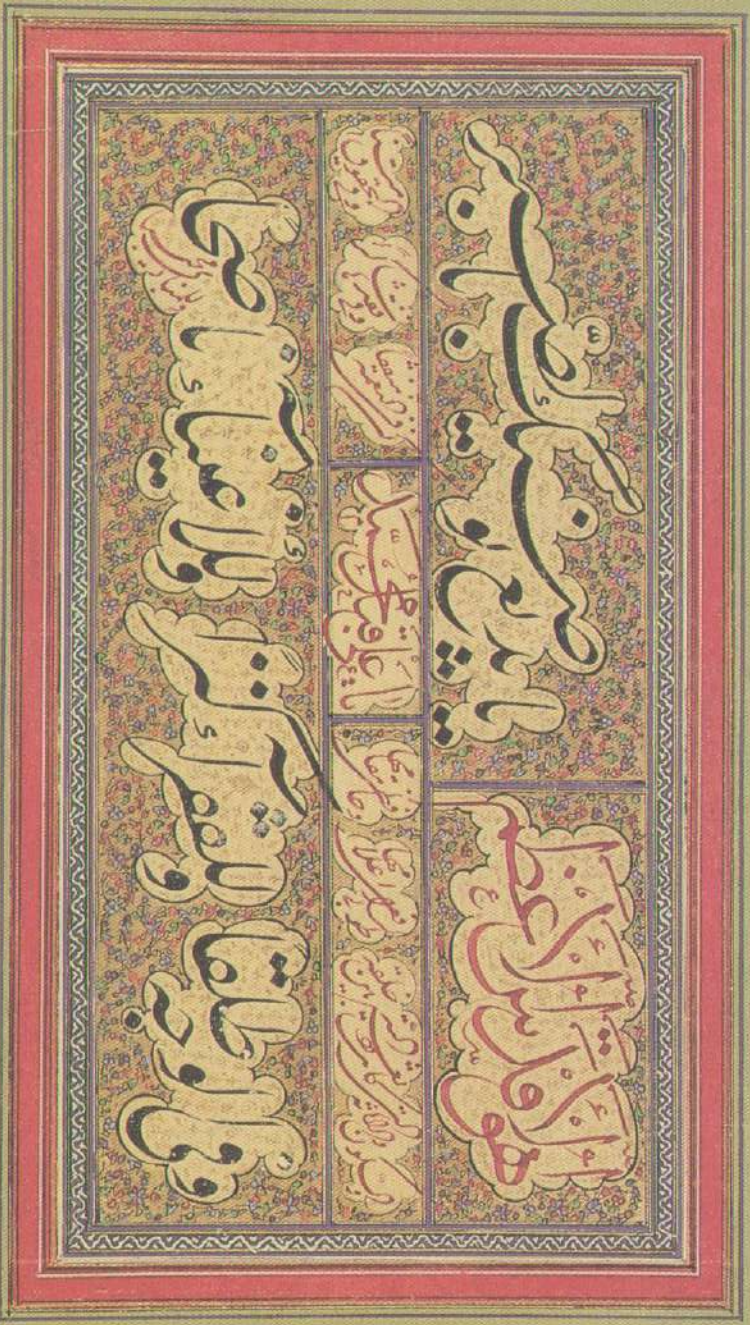
7 - International Archives building, Haifa, 25x17 cm.



9 - International Archives building, Haifa, 26x35 cm.



10 - Mansion of Bahji, Akka.



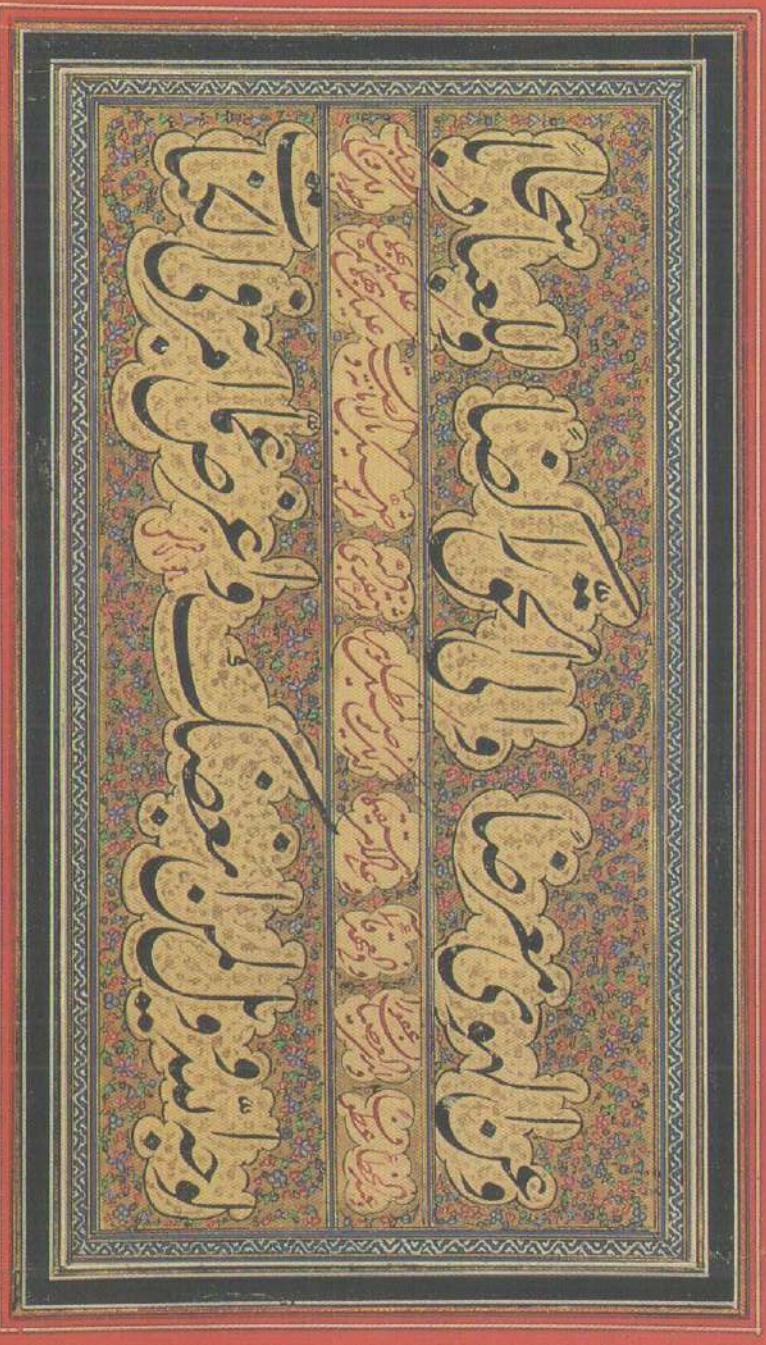
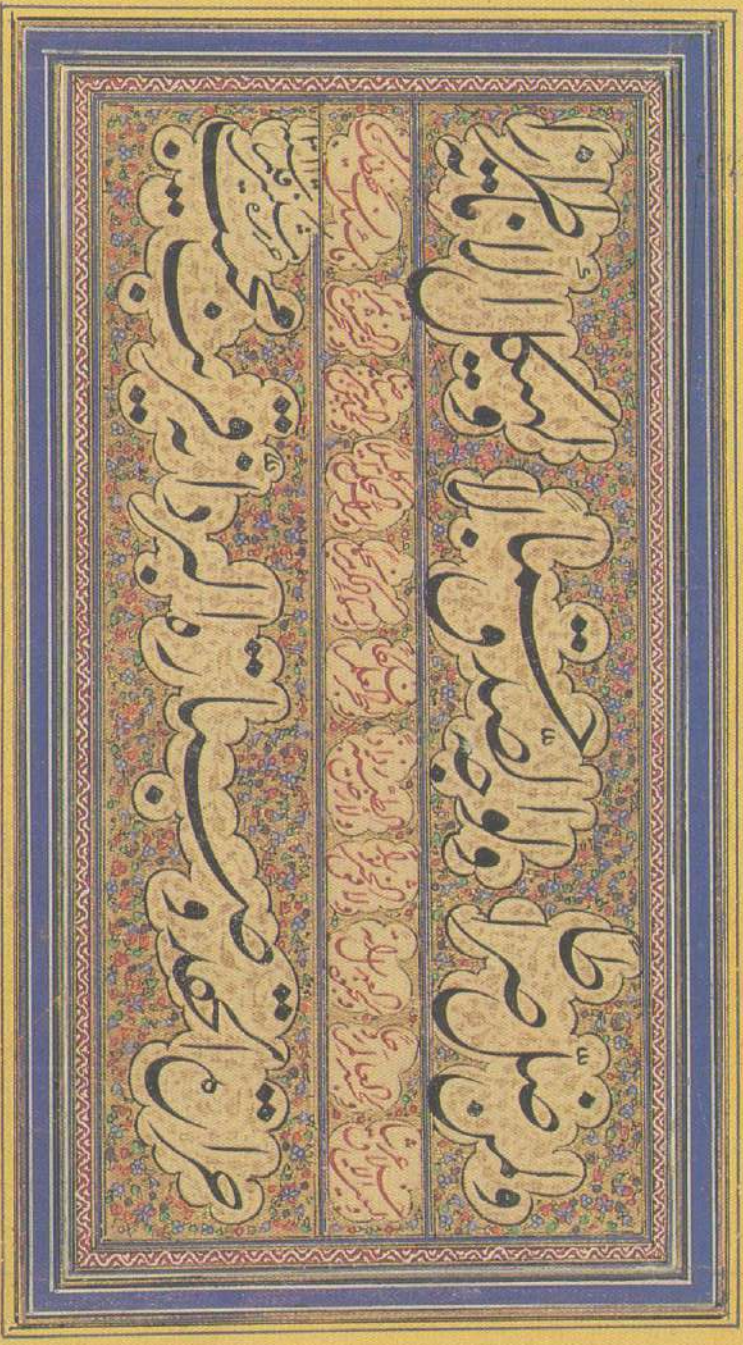
11 - International Archives building, Haifa, 16x8 cm.

12 - International Archives building, Haifa, 16x8 cm.



13 - International Archives building, Haifa, 16x8 cm.  
14 - International Archives building, Haifa, 16x8 cm.

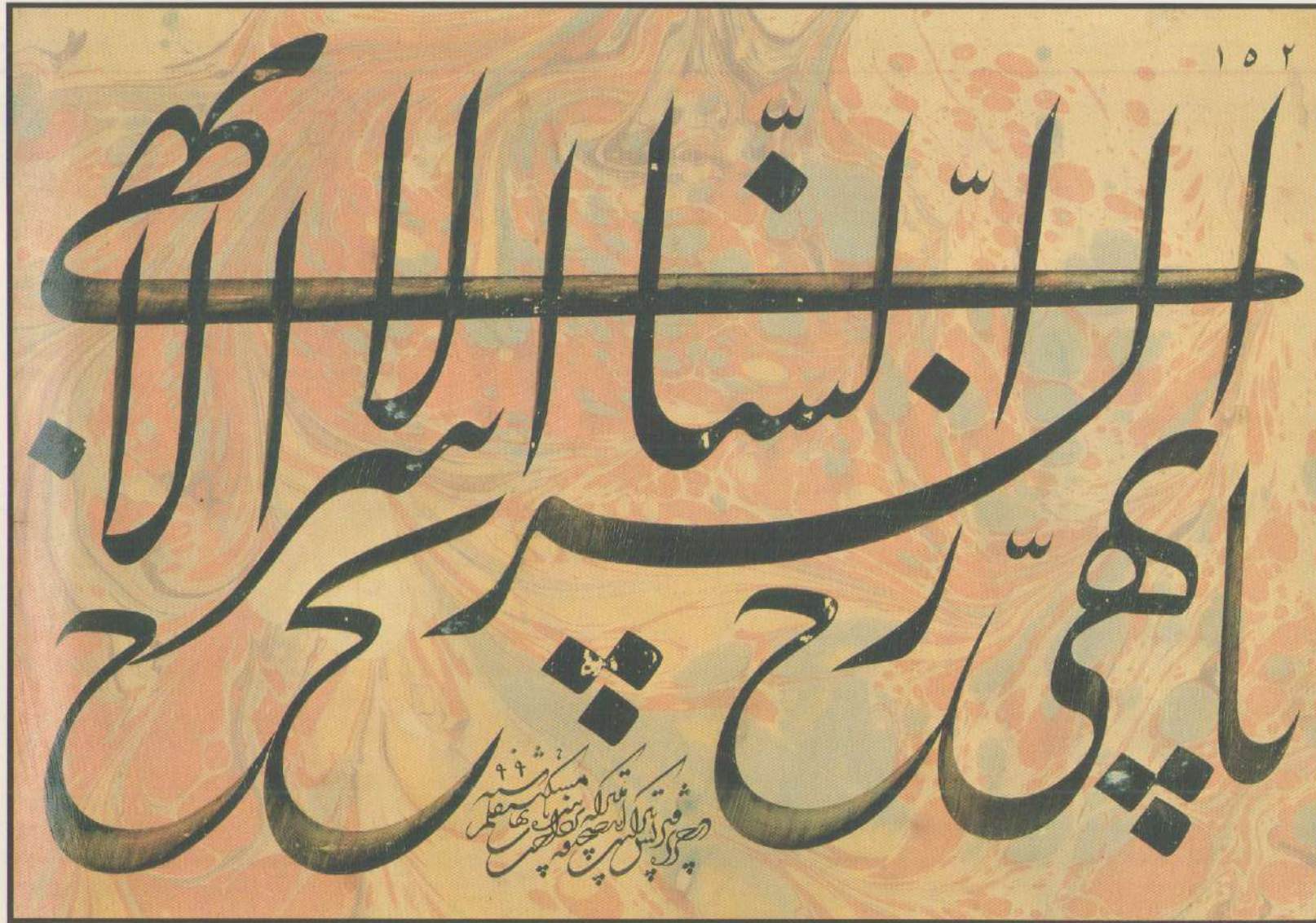
١٣- دار الأناضار بين الملل، حيفا، ١٦ x ٨، سانتيمتر  
١٤- دار الأناضار بين الملل، حيفا، ١٦ x ٨، سانتيمتر





15 - Baha'i World Centre, Haifa, 41x26 cm.

۱۵- مرکز جهانی بهائی، حیفا، ۲۶ X ۴۱ سانتیمتر



16 - Baha'i World Centre, Haifa, 41x26 cm.

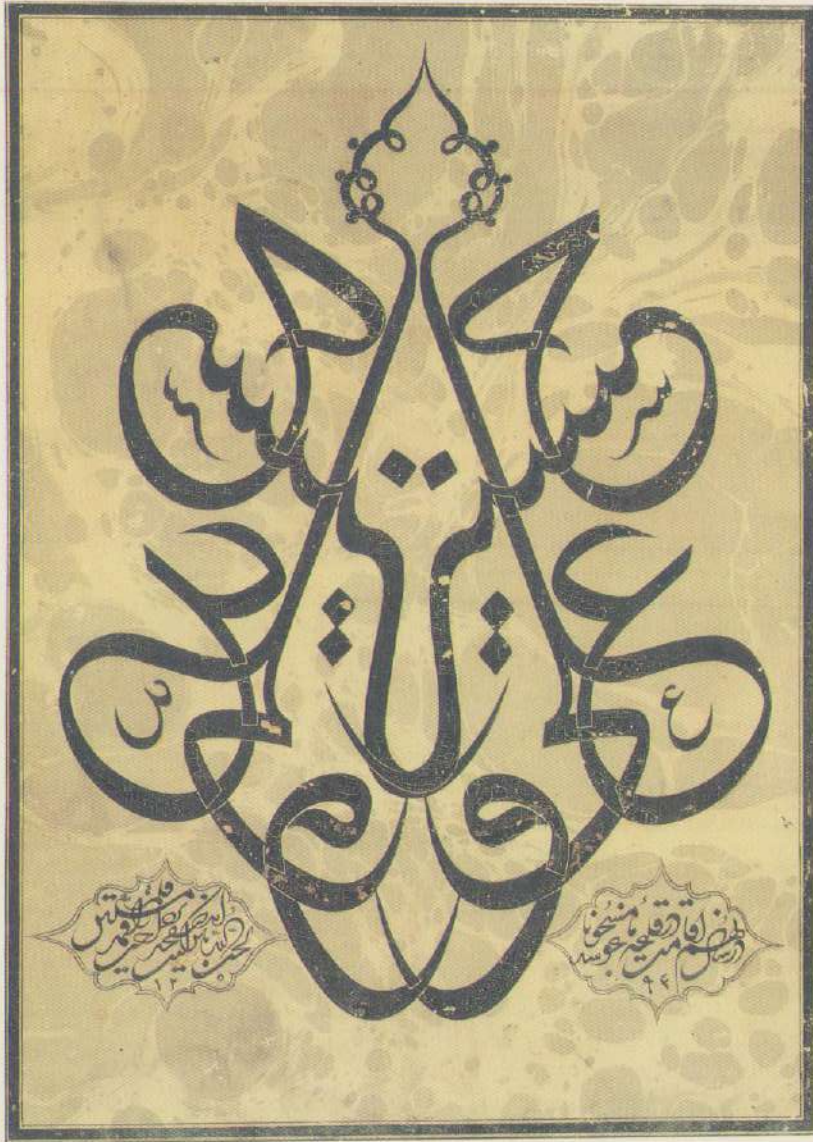
۱۶- مرکز جهانی بهائی، حیفا، ۴۱ X ۲۶ سانتیمتر



۱۸- محفظه آثار محفل روحانی ملی بهائیان امریکا، شیکاگو  
18 - National Baha'i Archives of USA, Chicago.



۱۷- محفظه آثار محفل روحانی ملی بهائیان امریکا، شیکاگو  
17 - National Baha'i Archives of USA, Chicago.



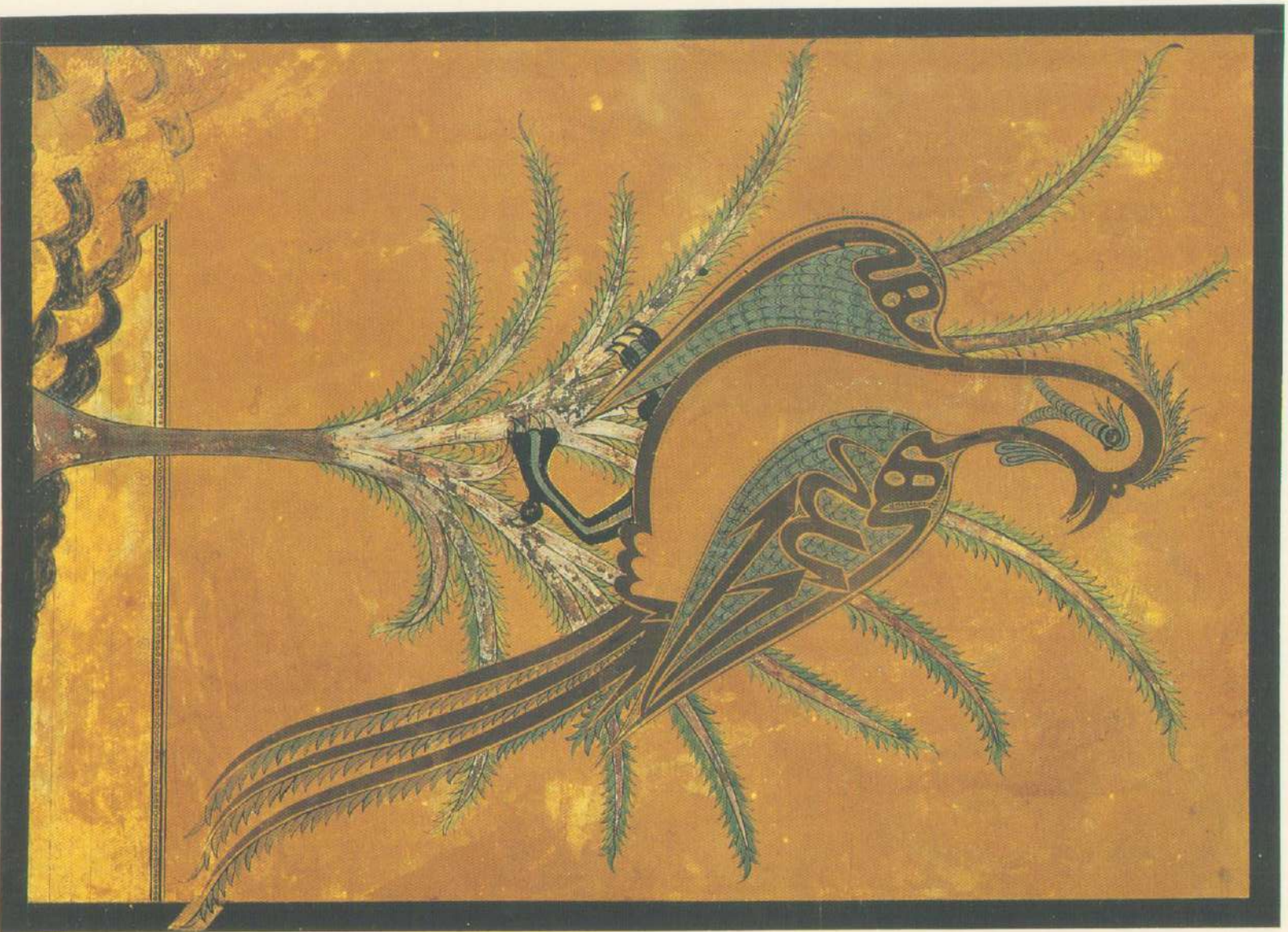
20 - Mazriah, Akka.

٢٠ - قصر مزرحه، عكا.



19 - Mazriah, Akka.

١٩ - قصر مزرحه، عكا.



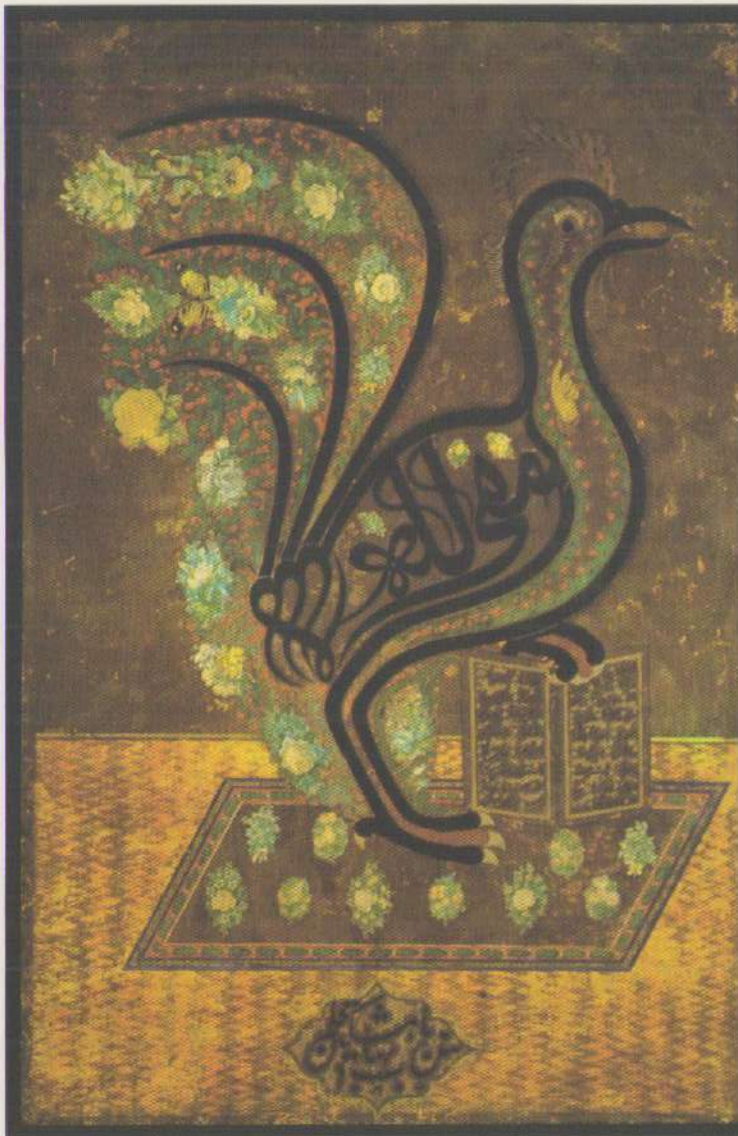
21- House of Abbud, Akka.

٢١- بيت عبود، عكا.









٢٦ - دارالأفكار بين المللي بهائي، حيفا.

26 - International Archives building, Haifa.



٢٥ - دارالأفكار بين المللي بهائي، حيفا.

25 - International Archives building, Haifa.



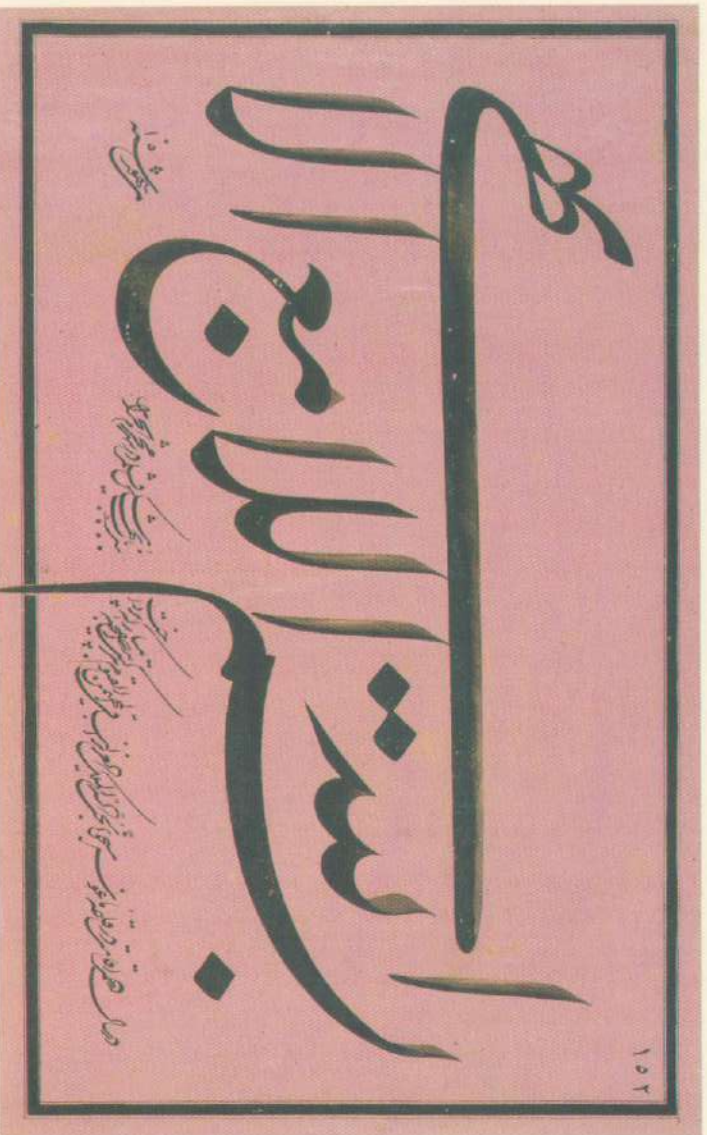
٢٤ - دارالأفكار بين المللي بهائي، حيفا.

24- International Archives building, Haifa.



27 - Bahai World Centre, Haifa, 41x26 cm.

۲۷ - مرکز جهانی بهائی، حیفا، ۴۱ x ۲۶ سانتیمتر



28 - Bahai World Centre, Haifa, 41x26 cm.

۲۸ - مرکز جهانی بهائی، حیفا، ۴۱ x ۲۶ سانتیمتر





31 - International Archives building, Haifa.

٢١ - دار الأناضول بين المللي بهائي، حيفا، ٣٠ X ٤٢ سانتيمتر



32 - Bahai' World Centre, Haifa, 41x26 cm.

٣٢ - مركز بهائي بهائي، حيفا، ٢٦ X ٤١ سانتيمتر



33 - Baha'i World Centre, Haifa, 41x26 cm.

۳۳ - مرکز جهانی بهائی، حیفا، ۴۱ x ۲۶ سانتیمتر.



34 - Baha'i World Centre, Haifa, 41x26 cm.

۳۴ - مرکز جهانی بهائی، حیفا، ۴۱ x ۲۶ سانتیمتر.

هو البهي الأبهى  
 في أول القول قلبا جديا ميرا  
 ما يبرئ الله

35 - Baha'i World Centre, Haifa, 41x26 cm. ٢٥ - مرکز جهانی بهائی، حیفا، ٢٦ x ٤١ سانتیمتر

لتملك ملكا دائما قيا از لا فديما يا باري  
 لك فاجعله امام عينيك يا ابا انبينا كنت

36 - Baha'i World Centre, Haifa, 41x26 cm. ٢٦ - مرکز جهانی بهائی، حیفا، ٢٦ x ٤١ سانتیمتر

في قدم ذاتي وار ليتها نبوتی عرفتی حی فیک  
 اجبني لاجبك ان لم تجبني لرب اجبك ابدًا

37 - Baha'i World Centre, Haifa, 41x26 cm. ٢٧ - مرکز جهانی بهائی، حیفا، ٢٦ x ٤١ سانتیمتر

كلها و اتمت القول عليك و اجملت اليك و صديت  
 عندى عن كل شى بل بوق يا باري ليتت نورى الى الابد

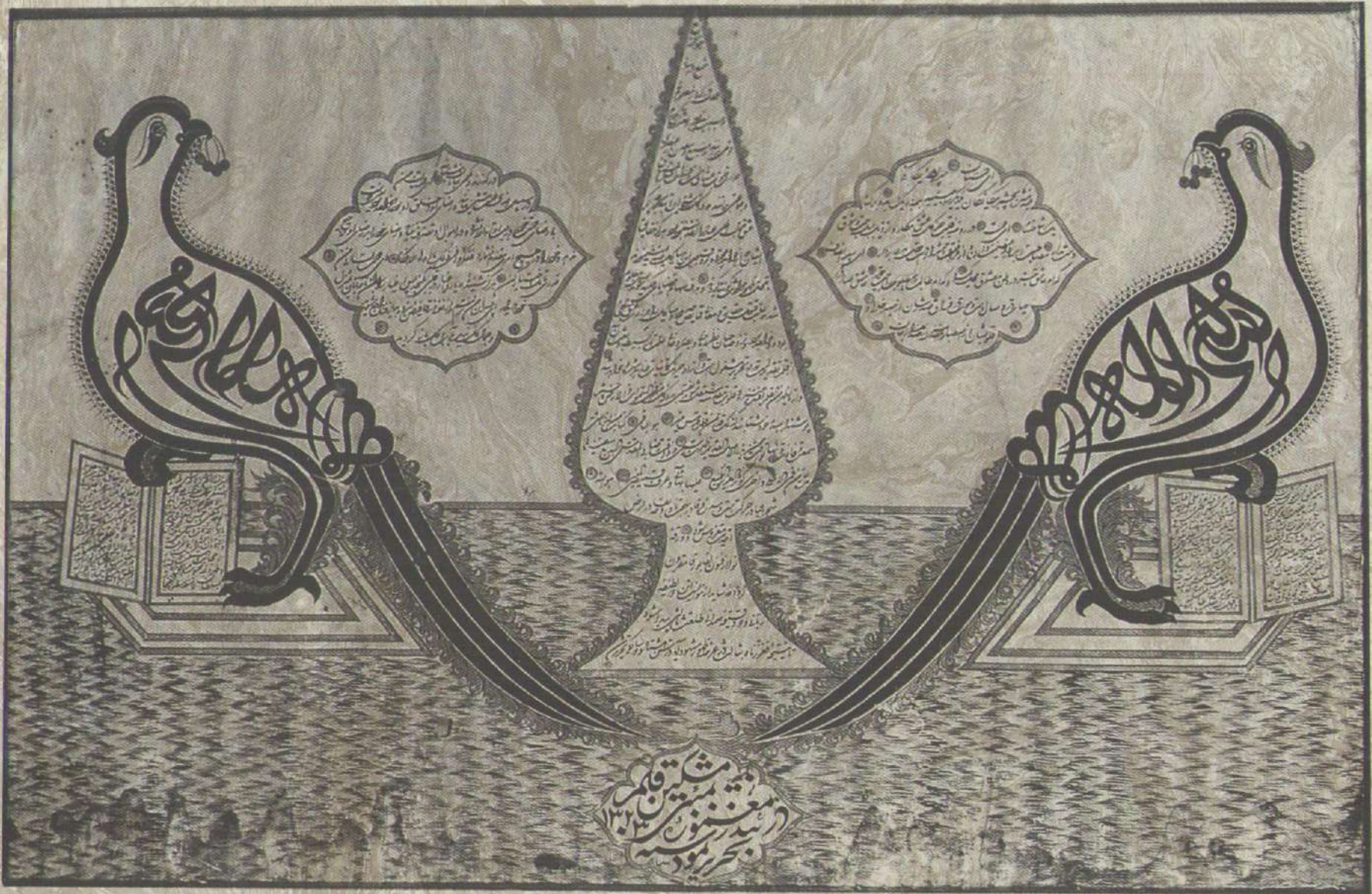
38 - Baha'i World Centre, Haifa, 41x26 cm. ٢٨ - مرکز جهانی بهائی، حیفا، ٢٦ x ٤١ سانتیمتر



39 - The seat of the Universal House of Justice, Haifa.

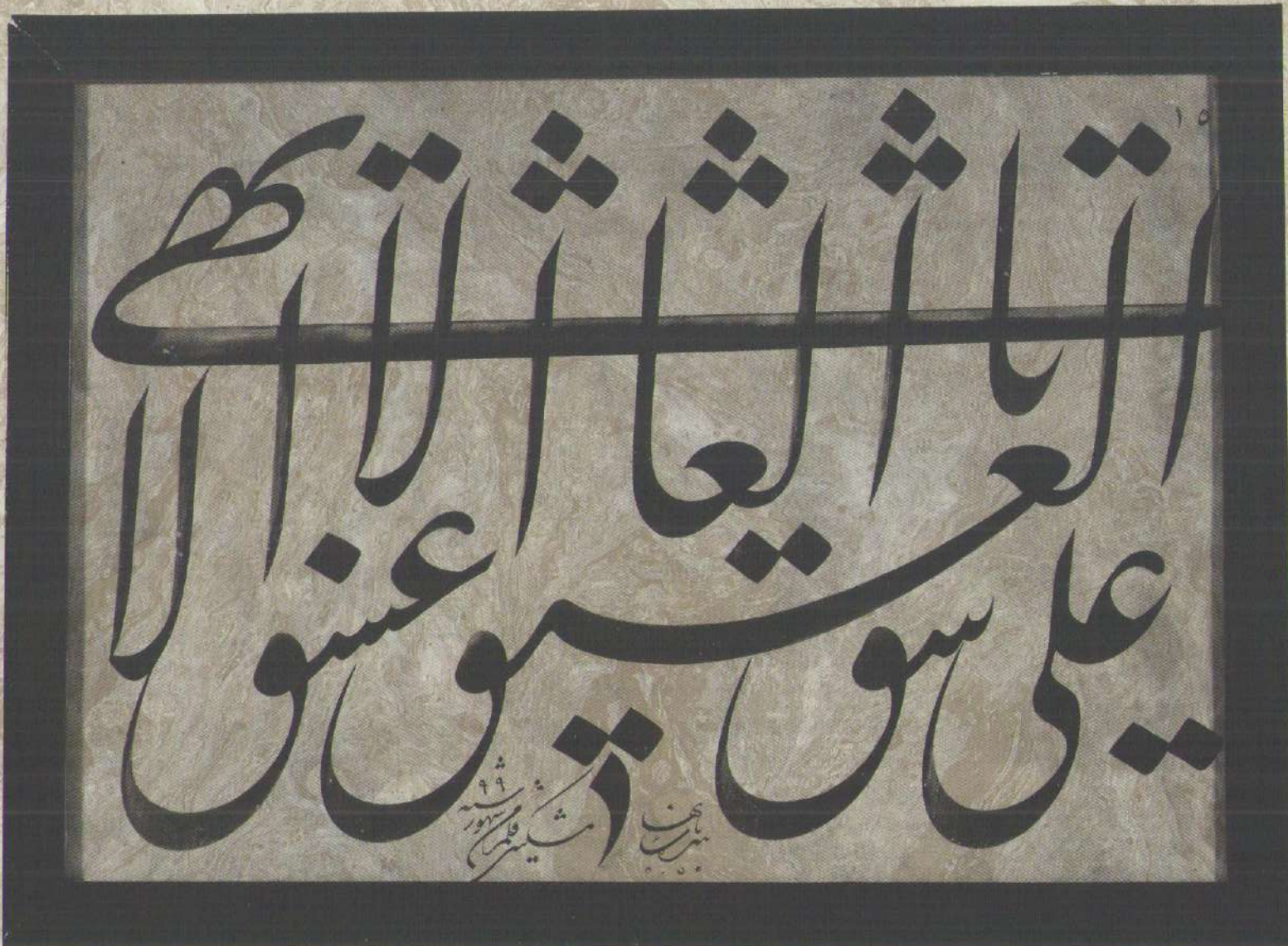






# استاد الواحدا

در شهر قم در وقت ماه خرداد ماه سن ۱۲۰۳ هجری قمری  
 در روز شنبه ۱۲ خرداد ماه سن ۱۲۰۳ هجری قمری  
 در شهر قم در وقت ماه خرداد ماه سن ۱۲۰۳ هجری قمری  
 در روز شنبه ۱۲ خرداد ماه سن ۱۲۰۳ هجری قمری



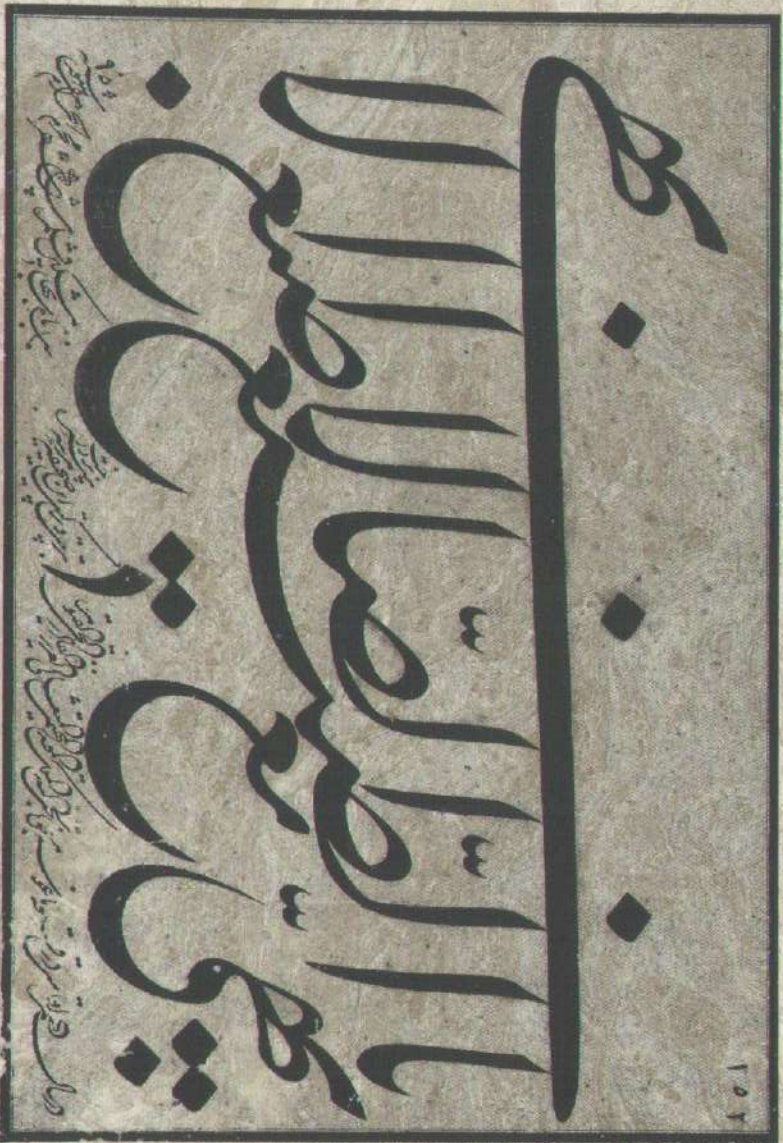
43- House of Udi Khammar, Akka.

٤٢ - بيت عودي خمار، عكا.



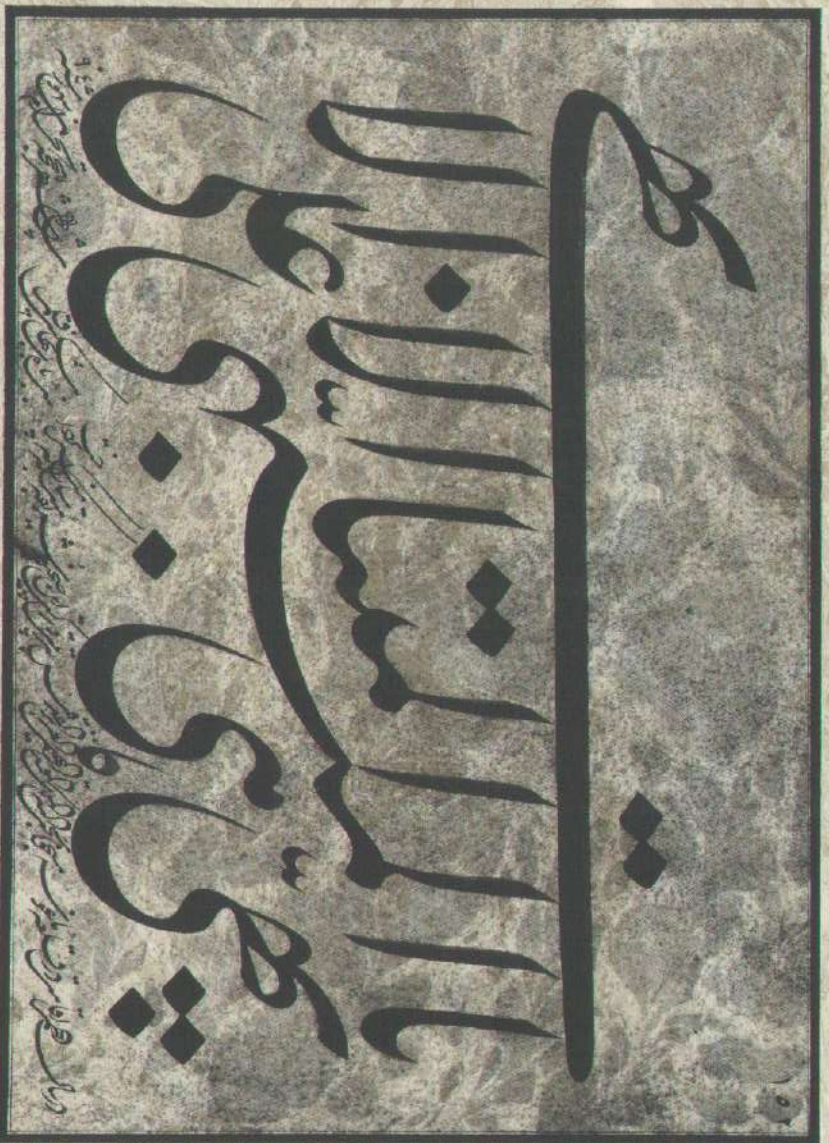


45 - Mansion of Bahji, Akka.



46 - Mansion of Bahji, Akka.

١٥١٢ - قصر باهي، عكا.



47 - House of Udi Khammar, Akka.

١٥١٢ - بيت عودي خمار، عكا.





50 - House of Abbud, dining-room, library, Akka.

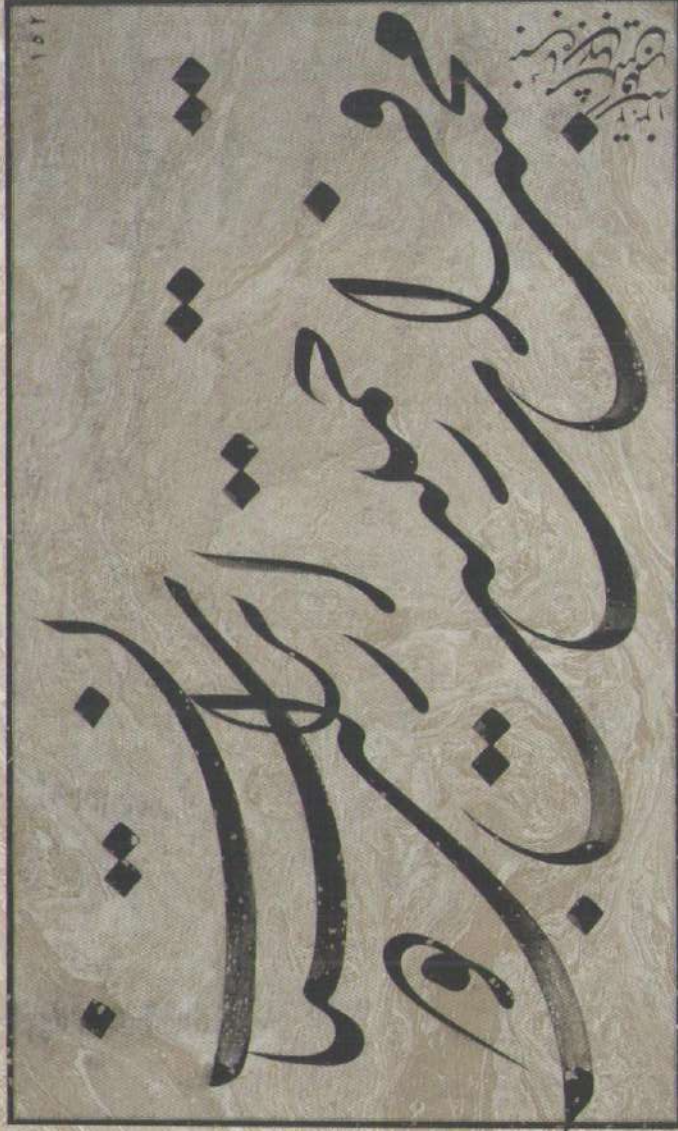
۵۰ - بیت عبود، اماں پذیرائی، کتابخانہ، عکا.



51 - Courtesy of Mrs. Gloria Faizi, India.

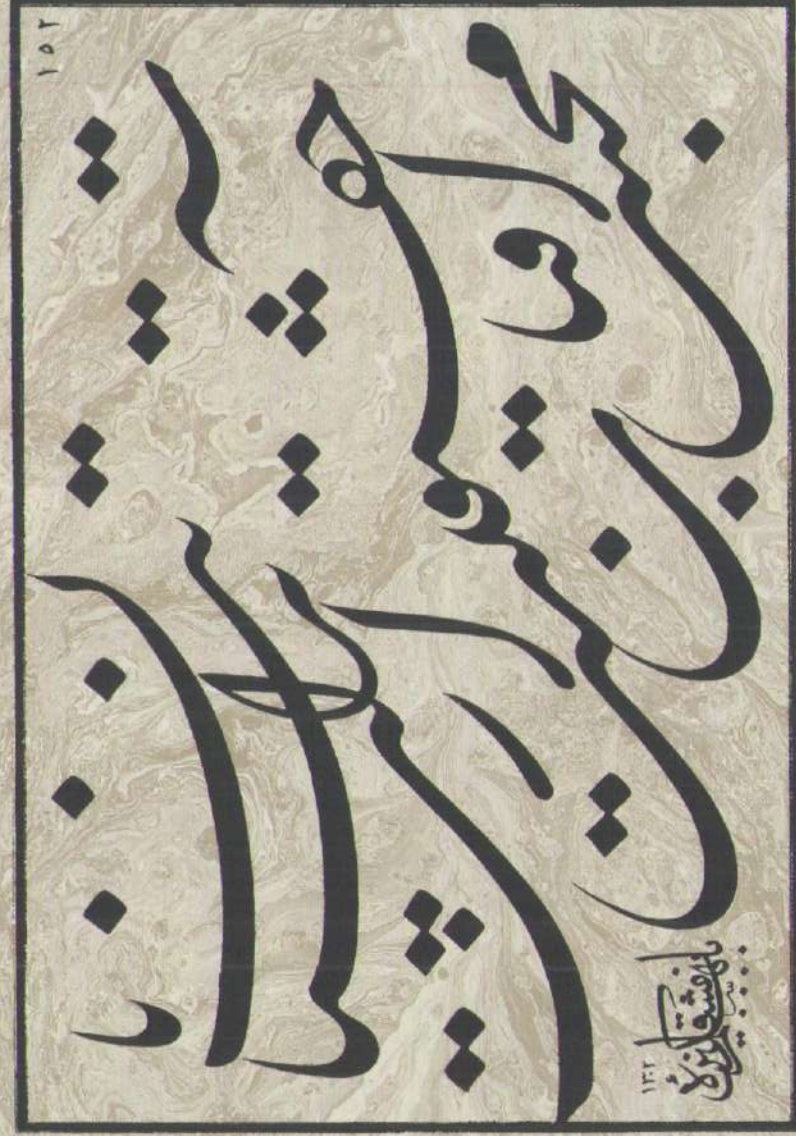
۵۱ - منجوسہ، خصوصی خانم گلوریا فیضی، ہندوستان.





۵۲ - بیت غنود، اطاق عروسی سرکار آقا، عکا، ۲۹، ۱۸ X ۱۸ سانتیمتر

52- House of Abbud, the room in which Abdul-Baha was married, Akka, 48x29 cm.



۵۳ - محل نکهارای اصل شناخته نشده.

53 - The owner is not known.

لیسویں باب  
 در تہذیب و تمدن  
 کر خیال جان ہمی پستیل چا  
 پیر سراد و ملا ستر  
 خطیہ تیسرا  
 در تہذیب و تمدن  
 ور سار جان و پسراری و ہم  
 ایاز شکر  
 سربار شکر

همه فرات بچو اینده آید  
لیک سالک پیر سرش  
رسم ره اینست که وصل خدا داری  
خط اینست که علم  
طلب  
کتاب میزانه دارم لایع

ورنباستی مرد اینست  
دور شور حمیتار  
دیار خط صبر علی  
بنبر این بری کین علم



56- Bahai' World Centre, Haifa, 41x26 cm.

۵۶- مرکز جهانی بھائی، حیفا، ۴۱ x ۲۶ سانتیمتر



57 - Bahai' World Centre, Haifa, 41x26 cm.

۵۷- مرکز جهانی بھائی، حیفا، ۴۱ x ۲۶ سانتیمتر



58 - International Archives building, Haifa.

۵۸ - دارالآثار بین المللی بیانی، حیفا :



59 - Mansion of Bahji, Akka.

۵۹ - قصر بهجی، عکا :



قال تعالى توجّهوا إلى مع الله إذ اللذّي نستعين  
الآن العبد الفرح المنبذ من بين أهل العيون ومن  
الأعم لم يطيب الله الآدم العبد من طبا جواله الأسماء

61 - House of Abbud, Munireh Khanum's room, Akka, 80x60 cm.

٦١ - بيت عبود، الملقب منيرة خانم، عكا، ٨٠ x ٦٠ سنتيمتر

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
الذين هم خير البرية  
أجمعين  
اللهم صل على محمد  
وعلى آل محمد  
الذين هم خير  
البرية أجمعين  
اللهم صل على  
سيدنا محمد  
وعلى آل محمد  
الذين هم خير  
البرية أجمعين

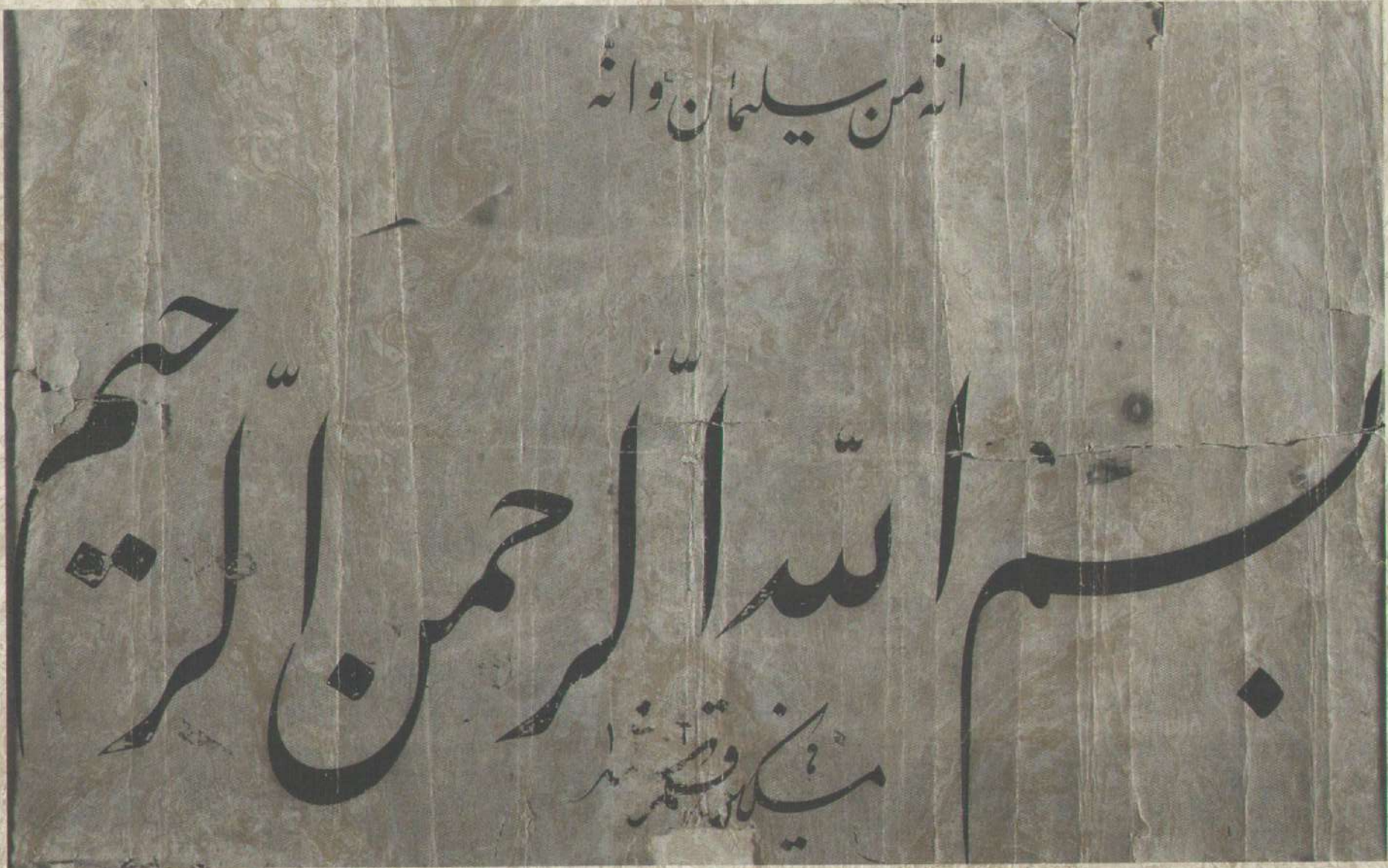
62 - House of Udi Khammar, Akka, 86x62 cm.

٦٢ - بيت عبودي خمار، عكا، ٨٦ x ٦٢ سنتيمتر

عضد بن الامم اعظم سر الله الاقم اتيكم من طاجول الاسماء  
 محبت العالم خادم امر الله  
 مطلع الغم لاهل الانشاء بحر الكرم لمن في عالم مشرق وفضل على الامم  
 مركز ثبات قلبه رباطه عهد الله  
 عضد بن اباء الفرع المنشعب الال اتيكم عبد لها مرجع امر الله  
 عن ابن القدره من عبد لها من مشك وانشاء  
 مركز دواغير سايه وسيله اعظم للمو بيهري من ده ارعي اعني امر الله







۱۵۲

ایمان بقرآن و احکام  
آن است

من من من من من

مشق کمالی

۱۶۲  
 بوالعزم المقتدر المقوم  
 ابواب کلوز من در آنست  
 خدیو ابرو توپه ای که  
 آمد در حاکم بر ایام قاده  
 کمان رو کلعدار سار  
 قیام بزمی که در آنست  
 قیام بزمی که در آنست

67 - Bahai World Centre, Haifa, 41x26 cm.

۶۷ - مرکز جهانی بهائی، حیفا، ۴۱ x ۲۶ سانتیمتر

۱۶۳  
 که آمد بر سر بند و در آنست  
 در کلک دور ای که  
 که آمد در آنست  
 که آمد در آنست  
 که آمد در آنست

68 - Bahai World centre, Haifa.

۶۸ - مرکز جهانی بهائی، حیفا.





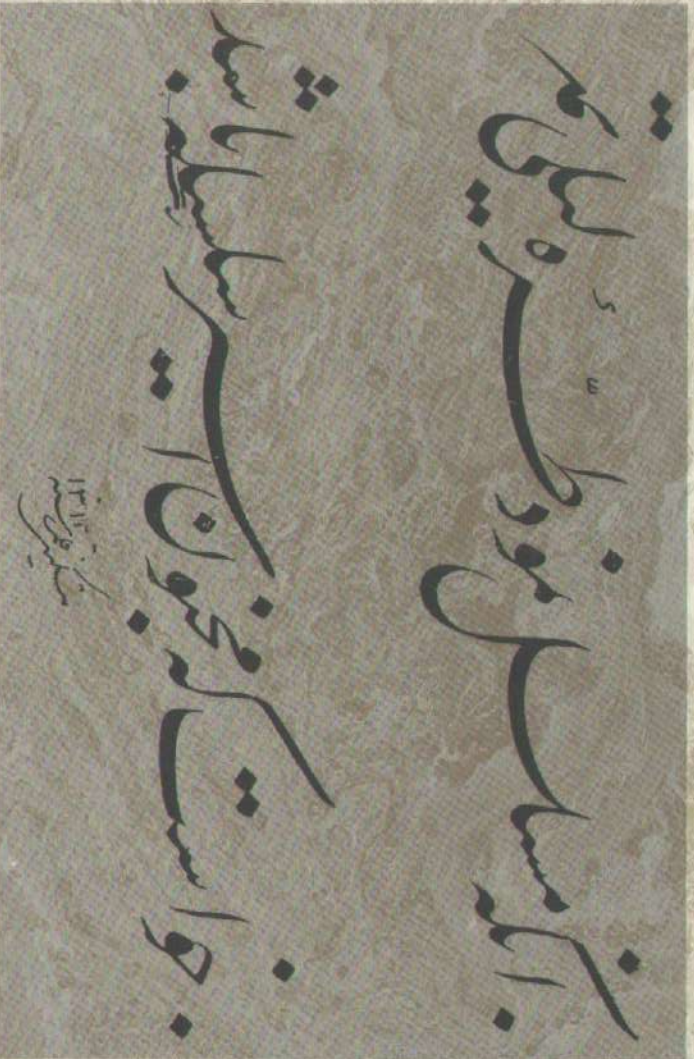
70 - Bahai' World centre, Haifa, 21x11 cm.

۷۰ - مرکز جهانی بھائی، حیفا، ۲۱ x ۱۱ سانتیمتر



71 - Bahai' World centre, Haifa, 22x14 cm.

۷۱ - مرکز جهانی بھائی، حیفا، ۲۲ x ۱۴ سانتیمتر



72 - Private collection, Frankfurt, 19x13 cm.

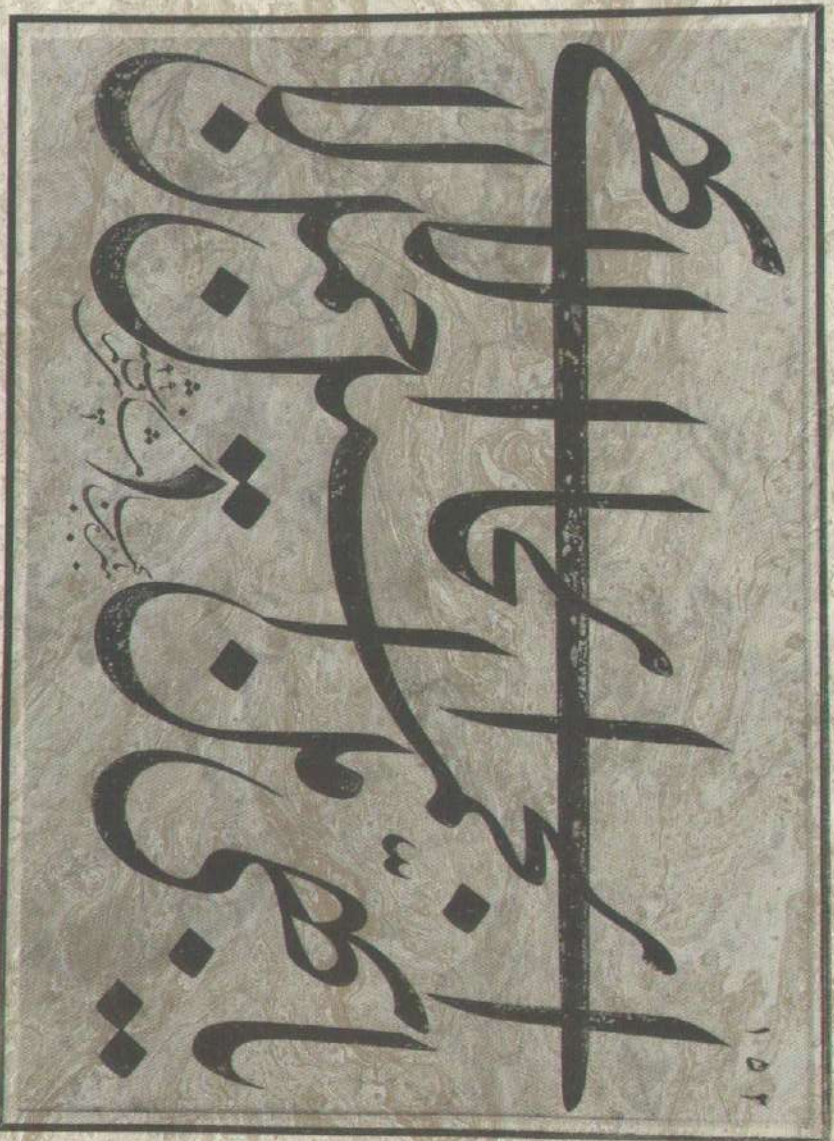
۷۲ - مجموعه شخصی، فرانکفورت، ۱۹ x ۱۳ سانتیمتر

فصلکاتمان و بوی که بار حسی  
 بکره سار هم در این موعود  
 در سبزه بوی بزرگ در سینه شادونج  
 مسک ۱۳۲۶  
 در سینه بوی بزرگ در سینه شادونج  
 در سینه بوی بزرگ در سینه شادونج



74 - House of Abbud, Greatest Holy Leaf's room, Akka.

٧٤ - بيت عبود، اتاق حضرت ورفه، عيا، عكا



75 - Courtesy of Schwilzer family, Stuttgart 41x26 cm. بيت اميرى (تقدى خانواد، مورايتون) الميركاترت، ٤١ x ٢٦ سانتيمتر

٧٥











79 - Baha'i World Centre, Haifa, 41x26 cm.

اقاب سیمی کلمه الہیت کے ربیب اعلیٰ زیار

عربی سوزا ہرگز نہ تھی بجز سوزا ہرگز نہ تھی  
تجلی فرمود حکمت ظاہر شد و همچنین در مرآیای آفتاب اتمل  
سغیر لایموم صامیرا ہر جمعہ عارض ہوا کھلا گیا کتب مطبوعہ ہر دو زبان ہر قسم  
فان اوظا ہر و انسا ان شمس کلمہ ربانیکہ موجود و اسماء الحسنیہ  
و سبب ان سوزا ہرگز نہ تھی بجز سوزا ہرگز نہ تھی

ظاہر ہانا و باطن ہانا و اینا کلمتائے وجود و حلالہ

نورانی سوزا ہرگز نہ تھی بجز سوزا ہرگز نہ تھی  
در سوز و دل در کلام معلوم نہ کہ سبب این چیز و علت ان  
موسیٰ و اسحاق و یوسف و لوط و اسماء الحسنیہ و اسماء الحسنیہ  
جمال الی عیاد را خاندان بود کہ حق تعالی ان کہ از جوار حق تبار  
نورانی سوزا ہرگز نہ تھی بجز سوزا ہرگز نہ تھی

و اصر و عالی عاتات ربیبہ و بعث ان



82 - From "Ruḥ-ul-Khaṭṭ-ul-Arabi" by Albaha.

۸۱ - از کتاب "روح الخط العربی" تألیف البهّا.

۱۵۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَعْلَى دَرَجَاتِ مَجْمَعِ

مَجْمَعِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الهى حليف الحب بالليل سا  
 نيا بے ويدعو و لمغفيل جمع  
 الهى و هذا الخلق ما بين نام  
 و منبسته فى ليله تضرع  
 و كاهيم رجو نواك احياء  
 لرحمتك العظمى و نوحى ليد طمع

٨٥ - مجموعه خصوصى، از كتاب "روح الخفّ العربى".



٨٤ - مجموعه خصوصى فؤاد اللادغى از كتاب "روح الخفّ العربى".



روضه افست و برت  
رضمن انسد و حج و برت  
مشكين ۱۳۲۲م

# باب اول در فن په منجهن کمال

در باب اول در فن په منجهن کمال  
که در این رساله در خصوص خط فهد العنداری از کتاب "روح الخط العربی"  
مجموعه، خصوصی الخطاط فهد العنداری، از کتاب "روح الخط العربی".

روح المعاني

مستطاب  
۱۳۸۸  
مهر

در میدان عشق  
بهر کس که بخواهد  
باید که بیاید  
و در کسبش  
بهر کس که بخواهد  
باید که بیاید  
و در کسبش

Professor Anne-Marie Schimmel

### Note on Mishkín Qalam

Every visitor who comes to the Sackler Museum of Art at the Harvard University is attracted by a beautiful calligraphic picture showing a golden rooster on a radiant blue background -- one of the few items in the Near Eastern Galleries whose reproduction as a greetings card is available in the Museum Shop.

We are often asked about the rooster's provenience and its meaning, and try to explain its importance to our visitors: throughout Iranian history the rooster was a bird connected with light, the herald of the true morning and, in the Islamic tradition, of the time for dawn prayer -- hence a bird whose picture evokes thoughts of clarity and splendor, *bahá*. It is, therefore, not surprising that the leading Bahá'í calligrapher, Mishkín Qalam, has devoted some of his calligraphic paintings to the representation of this bird of light, made up from religious formulas.

For Mishkín Qalam was not only a master calligrapher. Born in Iran in early nineteenth century, he became an ardent believer in the Bahá'í Faith, and spent a considerable time in Turkey -- first in Edirne, then in Istanbul. However, on the instigation of the then Persian ambassador he was, like many other Bahá'ís, imprisoned between 1885 and 1894 in Famagusta. He also spent a few years in India. He died in the Holy Land in the early years of the twentieth century. His art was greatly admired in Iran and the countries under her cultural influence, and E. G. Browne remarks in his account of his sojourn in Iran (*A Year among the Persians*) that Mishkín Qalam's calligraphies were very famous and would be eagerly sought after by Persians of all classes, were it not for his signature which betrayed him as a Bahá'í and made him, therefore, unacceptable for a faithful Shiite.

This is certainly a sad statement, for there is no doubt that Mishkín Qalam (he with the musk black, fragrant pen) is one of the finest calligraphers at the turn of this century. He wrote in different styles, especially in *nasta'liq*, and his crisp, clear hand immediately proves that he grew up in the tradition of Mír 'Imád (assassinated 1615), the leading master of Safavid Iran, about whom the Mughal Emperor Jahangir said: "If Shah 'Abbás had sent him to me I would have paid his weight in pearls."

Mishkín Qalam's firm hand makes the observer feel that he was well versed in large inscriptions for he forms his letters (e.g. the wide initial *kh*) in the style used in architectural inscriptions. His rounded letters in *nast'liq* are of flawless beauty, and the upper endings of the high strokes show that he liked to write with a sharp, freshly cut pen by which the contrasts between the thin and the thick strokes become very prominent so as to enhance the writing's beauty. Remarkable is also his elegant way of writing the heart-shaped medial *h* which occurs so frequently in the words *bahá* and *abhá*.

Mishkín Qalam would not be such a widely acclaimed artist had he remained always faithful to the traditional style. His writings show some innovative trends which were to become more prominent in the calligraphies of a later period; his way of somewhat softening the end of the *rá* is a novelty. Not satisfied with writing only traditional *nasta'liq* or inventing delightful birds, Mishkín Qalam tuned in with those who tried to give calligraphy a new character by creating as it were calligraphic porticoes or curtains, and he perfectly mastered the art of mirror script which had become very popular in Turkey in his days for pious formulas and invocations.

A firm hand, a flawless technique in shaping the letters, a vast imaginative power and a deep love for calligraphy as a means of expressing religious feelings, these are the qualities of Mishkín Qalam, a truly great master whose influence--beyond the Golden Rooster--can be detected in the works of the masters in our century.

## Bibliography

- 'Abdu'l-Bahá. *Memorials of the Faithful*. Wilmette: Bahá'í Publishing Trust, 1971.
- Aidun, Gol. "Mishkín Qalam, The Great Calligrapher and Humorist." Unpublished paper delivered at the New England Regional Conference of the Association for Bahá'í Studies, 1982.
- Balyuzi, H. M. *Bahá'u'lláh: King of Glory*. Oxford: George Ronald, 1980.
- Browne, Edward Granville. *A Year Amongst the Persians*. London: Century Publishing, 1984.
- \_\_\_\_\_. *Materials for the Study of the Bábí Religion*. Cambridge: Cambridge Press, 1961.
- \_\_\_\_\_. *A Traveller's Narrative written to illustrate the Episode of the Báb*. New York: Bahá'í Publishing Committee, 1930.
- Haydar-'Alí, Hájí Mirzá. *The Delight of Hearts*. Translated and abridged by A. Q. Faizi. Los Angeles: Kalimat Press, 1980.
- Ishráq-Khávarí, 'Abdu'l-Hamid. *Nurayn-i-Nayyerayn*. Tehran: Bahá'í Publishing Trust, 1967.
- Mázandarání, A. *Asráru'l-Áthár*, Part I. Tehran: Mu'assisih-i Mellí-i Matbú'át-i Amrí (National Bahá'í Publishing Trust), 1968.
- Mooghen, Amanullah. "Áthár va Ahvâl-i Ba'dí az Khushnvisán-i Bahá'í" in *Khoosh-i-há'í az Kharmán-i Adab va Honar*. Landegg, Switzerland: Persian Letters and Art Society, 1990.
- Momen, Moojan. *The Bábí and Bahá'í Religions 1844-1944: Some*

*Contemporary Accounts*. Oxford: George Ronald, 1983.

- Nabil-i A'zam, Muhammad. *The Dawn-Breakers: Nabil's Narrative of the Early Days of the Bahá'í Revelation*. Wilmette: Bahá'í Publishing Trust, 1932.
- Nakhjavání, Bahíyyih. *Four on an Island*. Oxford: George Ronald, 1983.
- Oeming Badice, Julie and Heshmatollah Badice. "The Calligraphy of Mishkín Qalam" in *The Journal of Bahá'í Studies*. Volume 3 (1991), Number 4, pp. 1-22.
- Schimmel, Anne-Marie. *Calligraphy and Islamic Culture*. New York: New York University Press, 1978.
- \_\_\_\_\_. *Islamic Calligraphy*. Leiden: E. J. Brill, 1970.
- Stevens, E. S. *The Mountain of God*. London: Mills and Boon, 1911.
- Tahirzadeh, Adib. *The Revelation of Bahá'u'lláh*, volume I. Oxford: George Ronald, 1975.
- \_\_\_\_\_. *The Revelation of Bahá'u'lláh*, volume II. Oxford: George Ronald, 1977.
1. Dr. Mehrdad Meshkin as well as the late Gol Aidun report the year of Mishkín Qalam's birth as 1810
  2. 'Abdu'l-Bahá, Memorials of the Faithful, English translation by Marzieh Gail, p. 99n.

During his years in 'Akká Mishkín Qalam devoted himself to transcribing the Bahá'í writings and to creating magnificent works of art. He produced many calligraphic copies of Bahá'í writings, including two volumes of the writings of Bahá'u'lláh, which he completed in 1892 and had printed in Bombay. A copy of Bahá'u'lláh's *Hidden Words* in the handwriting of Mishkín Qalam was published recently (1983) in Germany.

After the passing of Bahá'u'lláh, Mishkín Qalam continued to render devoted services to 'Abdu'l-Bahá, Bahá'u'lláh's son and His appointed successor as the leader of the Bahá'í community. In 1893 he transcribed 'Abdu'l-Bahá's *Treatise on Politics*, which was published in Bombay the same year.

In 1905 Mishkín Qalam was directed by 'Abdu'l-Bahá to go to India to assist with Bahá'í publications. He continued his services there until he fell ill and, at the invitation of 'Abdu'l-Bahá, returned to the Holy Land where he resided until the end of his life. One of his last services was to design the calligraphic inscriptions carved on the sarcophagus presented by the Bahá'ís of Burma to hold the remains of the Báb, founder of the Bábí Faith.

Not only was Mishkín Qalam a distinguished calligrapher and artist, he also composed poetry. Yet his enduring fame is due to his penmanship, which is characterized by elegance in a wide range of different styles of Persian and Arabic scripts. Bahá'í historians have described Mishkín Qalam as a pleasant man with a keen sense of humor who was always ready to offer a witty response in conversation.

A full study and thorough evaluation of the work of Mishkín Qalam remains to be undertaken by experts. But without doubt, Mishkín Qalam's most outstanding contribution is that he was the first Bahá'í artist to have used the art of calligraphy and painting to express profoundly his religious convictions and mystical experiences. The concept of combining epigraph and images in a figural calligraphy was well established in Islamic culture,

but Mishkín Qalam's main source of inspiration was the Bahá'í writings. Bird imagery, which appears so frequently in Mishkín Qalam's calligraphic renderings, is a powerful expression of the theme of the "Nightingale of Paradise" or the "Cockerel of the Throne" announcing the dawn of the new Faith and the bringing of a heavenly message to the mortal world.

Besides his transcriptions of the Bahá'í writings, Mishkín Qalam produced scores of calligraphic renderings of verses from the Bahá'í texts, and of invocations such as "Yá Bahá'u'l-Abhá," "Yá 'Alíu'l-A'lá," (O, Thou Exalted, the Most Exalted) and "Yá 'Abdu'l-Bahá" (O, 'Abdu'l-Bahá) in various sizes and designs of exquisite beauty, proportion, and originality. Mishkín Qalam had mastered the traditional styles of calligraphy such as Nast'liq, Naskh, and Shikastih, in addition to his own unique "bird script," and he often incorporated several styles in one piece. Hundreds, perhaps thousands, of examples of his artistry are preserved in Bahá'í archives or displayed in Bahá'í Centers or Holy Places or in the homes of some Bahá'ís around the world. Some pieces even are in prominent museums such as Arthur M. Sackler Museum, Harvard University.

Mishkín Qalam usually signed his works as "Servant at the gate of Bahá', Mishkín Qalam." The story of this signature dates back to his days in Aleppo. When he had finished one of his pieces, he asked Nabíl to write a verse to be put on the work. Nabíl inscribed the following verse:

Dar diyár-i khatt shah-i sháhib 'alam,  
Bandy-i báb-i Bahá, Mishkín Qalam.  
[In the realm of calligraphy  
the King who possesses the Banner  
is the Servant at the gate of Bahá',  
Mishkín Qalam.]

Or in Marziéh Gail's translation,

"Lord of calligraphy, my banner goes before;  
But to Bahá'u'lláh, a bondsman at the door,  
Naught else am I,  
Mishkín Qalam"<sup>2</sup>

Dr. Vahid Rafati

## Mishkín Qalam

Mírzá Husayn, known as Mishkín Qalam (Musk-Scented Pen), was a renowned Persian calligrapher, painter and poet. He was the son of Fátimih and Hájí Muḥammad 'Alí-i-Isfahání, who were born of merchant families originally from Shíráz, Iran. Born in Isfahán, Iran, in 1241 or 1242 AH [1826 A.D.!] Mishkín Qalam passed away on 25 Dhu'l-Hijjih 1330 AH [6 December 1912] in 'Akká.

Little information is available about the childhood of Mishkín Qalam, but it is known that he received his primary education in Isfahán, and that from his childhood he showed a great deal of interest in different styles of calligraphy and painting. Mishkín Qalam married, in Isfahán, Ághá Bigum who gave birth to a daughter, Sháh Bigum, and a son, Mírzá 'Alí-Akbar.

When Mishkín Qalam was about twenty-five years old, his father passed away during a business trip to Tihrán. Mi shkín Qalam hastened to Tihrán to attend to his father's affairs. While there, Mishkín Qalam visited a friend who was a shopkeeper. As he sat in the friend's shop, the Grand Vizir passed by. A skilled artist even in his youth, Mishkín Qalam was inspired to sketch a portrait of the Vizir with the mere impression of his finger nail on paper, a technique which he had perfected. He presented the portrait to the shopkeeper and left. Later, when the Vizir passed by once again, the shopkeeper showed him the portrait Mishkín Qalam had created. The Vizir was delighted and insisted on meeting such a brilliant artist. The shopkeeper with great difficulty located Mishkín Qalam and arranged the meeting. The Vizir invited Mishkín Qalam to the royal court to be presented to Násiri'd-Dín Sháh, the ruler of Iran. The Sháh, recognizing the extraordinary talent of the young artist, gave him the title of "Mishkín Qalam" and appointed him as a tutor to his Crown Prince who was in Tabríz.

Mishkín Qalam lived in Tabríz for several years as a teacher of the Crown Prince and other members of the royal family. During those years he made

a trip to Isfahán to visit his family. On the way back to Tihrán, he met a certain Bahá'í by the name of Siyyid Mihdí who told him about the Bahá'í Faith. The impact of this meeting on Mishkín Qalam was so great that, without informing the court or his family, he decided to visit Bahá'u'lláh, the Prophet-Founder of the Bahá'í Faith, who was residing in Adrianople (Edirne) at the time.

En route to Adrianople Mishkín Qalam stopped at Aleppo where he was hired by Jawdat Páshá, the governor of that city, as a tutor for his children. While he was in Aleppo, Nabil Zarandí, the great Bahá'í teacher and historian of the Bahá'í Faith, arrived in the city. He met Mishkín Qalam and brought him to a full recognition of the station of Bahá'u'lláh, Prophet-founder of the Bahá'í Faith.

Mishkín Qalam then travelled to Adrianople, where he attained the presence of Bahá'u'lláh and became one of his scribes. At this time the use of the invocation "Yá Bahá'u'l-Abhá" (O, Thou glory of the Most Glorious) became prevalent among the Bahá'í. Mishkín Qalam, deeply moved by the implications of that invocation known as the Greatest Name, arranged it in the beautiful form in which it is generally represented today.

Mishkín Qalam later settled in Constantinople (Istanbul) where he came into contact, through his art, with many distinguished Persians and Turks. His stay there, however, was brief. As a result of the machinations of the enemies of the Bahá'í Faith he was arrested and sent to Gallipoli. Together with some other Bahá'ís, he arrived there on 16 August 1868. Bahá'u'lláh and his companions arrived a day later on their way to exile in 'Akká, Palestine. Shortly afterwards Mishkín Qalam and the other prisoners who were brought from Constantinople were put on board ship with Bahá'u'lláh and His companions bound for 'Akká. On arrival in Haifa, however, Mishkín Qalam and three other Bahá'ís were sent to Cyprus while Bahá'u'lláh and most of his followers were taken to 'Akká. From 1868 to 1877 Mishkín Qalam was in exile in Famagusta, Cyprus. When Cyprus came under British rule the Ottoman prisoners were set free. In 1886 Mishkín Qalam was finally able to go to 'Akká and join the entourage of Bahá'u'lláh.





MISHKÍN QALAM  
1826-1912 A.D.

handwritings.<sup>6</sup> The Báb himself most often used *shikastih nasta'liq* and the speed of his writing was the source of astonishment of those present. Calligraphic exercises in the handwriting of Bahá'u'lláh when still a child are available. The beauty of those pieces is evidence of being instructed by His illustrious father Mírza 'Abbás (Buzurg) Núrí, who was one of the greatest calligraphers of the Qájár era.

The publication of the present collection of the works of the great master of calligraphy and graphic design, Mishkín Qalam, honors one who lived for many years in the presence of Bahá'u'lláh and received from His words the inspiration to create unique pieces of calligraphy and art. It also commemorates the centenary of the passing of Bahá'u'lláh.

Bahá'u'lláh has not only given humanity a set of moral and spiritual teachings, he has also laid the foundation for a new civilization and a new world order. Its goal is to gather all of humanity together under the banner of peace, fellowship and justice. In His teachings, Bahá'u'lláh has emphasized art, creativity, praise and respect for nature, and loving care for whatever God has created. This compilation is but a small tribute to all those who are striving to build a better and more beautiful world and hope that one day goodness, beauty and truth will take the place of ugliness, evil and deceit.

In conclusion it remains for us to acknowledge the contributions of all those who have helped in the production of this compilation, especially Dr. Vahid Rafati and Professor Anna Marie Schimmel who have provided brief introductions to the life and work of Mishkín Qalam; Dr. Mohammad Afnan and Mr. Saeed Motamed who assisted with the selection of the specimens of Mishkín Qalam's calligraphy and took charge of technical matters connected with printing of the compilation with great patience, sincerity and care; also Dr. Manuchehr Derakhshani and Mr. Foad Rosta'i who assisted in the translation and editing work for this volume. Finally we express gratitude to Mr. Amanullah Mooghen who, himself an acknowledged artist, has graced this volume with his calligraphy.

The production of such a compilation requires a substantial capital. Without the generosity and support of Mr. Hussaingholi and Mrs. Khojasteh Kiayani the project would not have been realized. We wish all of these dear colleagues evermore success in their literary, artistic and humanitarian services.

#### Persian Letters and Arts Society

1. For instance the four volume *Alvá' va Athár-i Khushnivísán* (Life and Work of Calligraphers,) 2nd. ed. Tehran: 1363 AH (1984).
2. *Alvá' va Athár-i Naqqáshán-i Qadím-i Iran va Barkhí az Masháhr-i Nigárgar-i Hind va 'Uthmání* (Life and Work of Ancient Iranian Painters and Some Indian and Ottoman Artists), 2 volumes, London: 1369 AH (1990)
3. For a biography of Mishkín Qalam see "Mishkin Qalam" by Dr. Mehrdad Meshgin (his great grandson) in *Herald of the South*, Vol. 3, April 1985, pp. 2-11, or articles by Amanullah Mooghen in *Khoosh-i-há'i az Kharman-i-Adab va Honar*, Vol. 1, and by Saeed Motamed in *Khoosh-i-há'i az Kharman-i-Adab va Honar*, Vol. 4.
4. Mírzá Husayn-'Alí, entitled Bahá'u'lláh, Founder of the Bahá'í Dispensation
5. Mírzá 'Alí-Muhammad of Shíráz, known as the Báb, was the inaugurator of the Bábi Dispensation and the Forerunner of the Bahá'í Dispensation
6. *Persian Bayán*, Báb-i Hifdahum (chapter 17), Váhid Sivum (unit 3)

## PREFACE

Mírzá Hussain Isfahání, who was given the title "Mishkín Qalam" (black or musk-scented pen) by the Shah of Persia, will always have a special and exalted rank among the great masters of calligraphy and design.

Although some Iranian scholars, perhaps due to religious prejudice, have either ignored or made only a passing reference to Mishkín Qalam's work,<sup>1</sup> many fair-minded scholars and researchers have praised him as a great master of his art. For example Muhammad 'Alí Karímzádeh Tabrízí has testified<sup>2</sup> that Mishkín Qalam was "an innovative creator of *tughras* from Isfahan who produced masterpieces by combining calligraphy with figure-drawing (now called calligraphic painting) and illuminated them in gold and other decorative colors. I have seen his *tughras* that were in the form of a bird, Bismillah or a human face, or in *chalipa* style and all were signed Mishkín Qalam and dated between 1305 to 1325 A.H. The best of the artist's *tughras* displayed in Islamic World Festival exhibition in London was in the form of a bird composed of letters and it was signed 'servant of the gate of Bahá, Mishkín Qalam, 1305.' Another beautiful work of this master was in the form of a bird facing its mirror image, composed of words, and the margins were exquisitely illuminated. This fine piece which was sold in 1977 by Spinks Gallery in London was signed 'Servant of the gate of Bahá, Mishkín Qalam, 1307.' Mishkín Qalam died in 1330 A.H. and is buried outside Iran<sup>3</sup>

There is no doubt that Mishkín Qalam's skill was not limited to *nasta'liq*, the style that was perfected by Mír 'Imád Hassání Seifí Qazvíní. He excelled in every style of calligraphy prevalent in his days. Evidence of his mastery is a piece in which he has written some of the verses of Bahá'u'lláh<sup>4</sup> in the seven principal styles of calligraphy. In that masterpiece he has demonstrated the highest level of calligraphic skill. Another example is a copy of *The Hidden Words of Bahá'u'lláh* the opening page of which he has written in *nasta'liq* and *naskh*.

In *Ruhu'l-Khat Al'Arabi* (the spirit of Arabic calligraphy) [2nd. edition, Lebanon, 1988] Kamál-el-Bábá, himself a peerless artist, has included five works of Mishkín Qalam in the chapter entitled *Lawhát-i Fanní* (masterpieces). All of them are in very fine *nasta'liq* style. One which stands out is a special arrangement of a verse which means "He will glorify the one who is humble and will abase he who is greedy." Another piece that catches the eye is a verse from the Holy Qur'an in the form of a cone. Kamál-el Bábá refers to Mishkín Qalam as the Persian Bahá'í calligrapher.

'Abdu'l-Muhammad Irani, editor of the periodical *Chihrihnama*, in his book *Peydáyish-i Khat va Khattátán* (Calligraphy and Calligraphers) [Tehran:n.d., p. 356] has these words about Mishkín Qalam. "In mastery of the seven styles he was indeed peerless among his contemporaries and must be counted among the geniuses of his age. His work which is of unparalleled beauty is now displayed in libraries in Syria and Egypt."

Mehdi Bayani in his three-volume work *Ahvát va Áthár-i Khushnivísán-i, Nasta'liq Nivísán* (Life and Work of Calligraphers in Nasta'liq) after quoting the above words of Abdu'l-Muhammad Khan adds that the inscriptions in the mausoleum of Mírzá Muslim (located near the shrine of Seyyed Hamzih in the Sorkháb district of Tabriz) are the work of Mishkín Qalam. These inscriptions were made on paper and attached to the walls of the shrine under glass. Bayani praises Mishkín Qalam's *nasta'liq*, *shikastih ta'liq*, and *shikastih nasta'liq* calligraphy.

It is worth noting that although Mishkín Qalam is an outstanding calligrapher, he was not the only eminent calligrapher among the Bahá'ís. From the very beginning of the new religion special attention was paid to calligraphy, and all that is written in the hand of the central figures of this Faith witness that attention. The Báb<sup>5</sup> writes "Permission is not given to anyone to write even a single letter of the Bayán except in the best of

MISHKĪN QALAM: XIX CENTURY ARTIST & CALLIGRAPHER

Society for Persian Letters & Arts, Landegg Academy, Switzerland

Calligraphy of titles & Persian text by A. Mooghen

First edition, in 2000 copies

Printed by Reyhani, Darmstadt, Germany, 1992 A.D. – 149 B.E.

ISBN: 3-90671-401-2

# Mishkin Qalam

XIX Century Artist and Calligrapher

1826-1912 A.D.

انجمن هنر و  
آکادمی لندگ  
بیس

Persian Letters and Arts Society  
Landegg Academy, Switzerland



بند بابہا شکستہ نام  
۱۳۱۳